

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام مسجد (۸)

عید اکبر

ویژه ائمه محترم جماعات

نویسنده: رضا وطن دوست



ویراستار ادبی: میثم محتاجی



نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، شهریورماه ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

واحد آموزش و پژوهش

نشانی: مشهد، حرم مطهر، دوربرگردان طبرسی، جنب بنیاد پژوهش‌های
آستان قدس رضوی، ساختمان مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، طبقه
اول، مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۸۱۷۴۴

رایانامه: INFO@MASJEDKH.IR

پایگاه اطلاع رسانی: WWW.MASJEDKH.IR

- ۶..... مقدمه: فضیلت ماه ذی الحجّه
- ۹..... روز اول: ازدواج آسمانی
- ۹..... محبّت امام علی علیه السلام
- ۱۱..... خواستگاری از فاطمه علیها السلام
- ۱۲..... سکوتی برتر از سخن
- ۱۳..... خطبه عقد و پیوند آسمانی
- ۱۴..... روز دوم: ادامه ازدواج حضرت علی و فاطمه علیها السلام
- ۱۴..... دوره نامزدی
- ۱۵..... مراسم عروسی
- ۱۶..... کانونی پر از مهر
- ۱۶..... خانه‌ای گلی و گل‌های زندگی
- ۱۷..... روز سوم: حجه الوداع
- ۲۰..... روز چهارم برابر با ۷ مهر: روز آتش نشانی و ایمنی
- ۲۴..... روز پنجم: خیانت به خود
- ۲۸..... روز ششم برابر با ۹ مهر: روز جهانی سالمندان
- ۳۰..... روز هفتم: شهادت امام محمد باقر علیه السلام
- ۳۱..... مقابله امام با بدعت و بدعت گذاران
- ۳۳..... روز هشتم: حرکت امام حسین علیه السلام از مکه
- ۳۵..... روز نهم: روز عرفه
- ۳۶..... اهمیت و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه
- ۳۹..... شهادت حضرت مسلم
- ۴۲..... روز دهم: عید قربان
- ۴۲..... فضیلت نماز عید قربان

- ۴۳.....فضیلت و احکام قربانی
- ۴۶.....روز یازدهم: درس‌های تربیتی از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام
- ۴۹.....روز دوازدهم: اهمیت فروتنی در زندگی اجتماعی
- ۴۸.....مرزهای فروتنی
- ۵۳.....روز سیزدهم برابر با ۱۶ مهر: روز جهانی کودک
- ۵۴.....حقوق کودک در اسلام
- ۵۵.....روز چهاردهم: بخشیدن فدک به حضرت زهرا علیها‌السلام
- ۵۹.....روز پانزدهم: ولادت امام هادی علیه‌السلام
- ۶۰.....امام هادی علیه‌السلام و رواج فرهنگ دعا و زیارت
- ۶۴.....روز شانزدهم: نکاتی از زیارت جامعه کبیره
- ۶۷.....روز هفدهم: گذری بر آیه ولایت
- ۷۱.....روز هجدهم: عید غدیر
- ۷۲.....اعمال روز غدیر
- ۷۵.....روز نوزدهم: میانه‌روی در مصرف
- ۷۶.....۱. اعتدال در مصرف و برخورداری از برکت الهی
- ۷۷.....۲. میانه‌روی و مصونیت از ورشکستگی
- ۷۸.....روز بیستم: خود کفایی و استقلال اقتصادی
- ۸۰.....روز بیست و یکم برابر با ۲۴ مهر: روز جهانی غذا
- ۸۱.....روز بیست و دوم: سفارش‌های اسلام در امر غذا
- ۸۴.....روز بیست و سوم برابر با ۲۶ مهر: روز تربیت بدنی
- ۸۶.....روز بیست و چهارم: روز مباحله
- ۸۸.....روز بیست و پنجم: روز خانواده
- ۸۸.....ضرورت تشکیل خانواده در سبک زندگی اسلامی

عید اکبر ۵//

بیست و ششم: آثار و برکات ازدواج ۹۲

۱. آرامش روح و روان ۹۲

۲. ایجاد نسل صالح و تداوم خلیفه‌اللهی در زمین ۹۳

۳. بهداشت روانی ۹۴

۴. برخورداری از برکت‌های الهی ۹۵

روز بیست و هفتم: رابطه عفاف و حجاب ۹۶

ضمیمه ۱ ۹۸

پیشینه اقتصاد مقاومتی ۹۶

۱- صلابت و عزت‌مندی در سیره نبوی ۹۸

الف: خوداتکایی و استقلال سیاسی ۱۰۰

ب: خوداتکایی و استقلال فرهنگی ۱۰۰

ج: خوداتکایی و استقلال اقتصادی ۱۰۱

۲- بازخوانی سخنان امام راحل (ره) ۱۰۲

الف: خواری در وابستگی اقتصادی ۱۰۳

ب: خودیابی در محاصره اقتصادی ۱۰۳

ج: جلوگیری از کالای بیگانگان ۱۰۳

۳- بازخوانی سخنان مقام معظم رهبری ۱۰۴

ضمیمه ۲ ۱۰۶

آخر ذی‌الحجه و استقبال از ماه غم ۱۰۶

مسابقه ۱۰۹

مقدمه: فضیلت ماه ذی‌الحجه

«ذی‌الحجه»، آخرین ماه سال هجری قمری و ماهی پر برکت است. در برخی روایات آمده، شب‌های دهگانه‌ای که قرآن در سوره «الفجر» به آن سوگند خورده است، ده شب نخست این ماه است که به دلیل بزرگی آن شب‌ها، خداوند به آنها قسم یاد کرده است.^۱

شاید به همین دلیل است که خواندن سوره مبارکه فجر در این ایام تأکید شده و برای آن ثوابی بسیار منظور شده است. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: هر کس سوره فجر را در ده روز نخست این ماه بخواند گناهایش بخشیده می‌شود.^۲

وجود دو عید مهم اسلامی «قربان» و «غدیر» و نیز روز بسیار مهم عرفه و خاطره ماندگار دعای عرفه که امام حسین علیه السلام در سرزمین عرفات خواند، بر شکوه و بزرگی این ماه افزوده است.

اعمالی که در منابع روایی برای این ماه، به ویژه برای دهه نخست آن وارد شده، دلیلی دیگر بر عظمت و جایگاه بلند این ماه است. برخی از این اعمال عبارت‌اند از:

۱. نک: قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲. نک: طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۱۰، ص ۳۴۱.

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم به من فرمود: در دهه نخست این ماه، هر شب میان نماز مغرب و عشا این دو رکعت نماز را به این صورت برپای‌دار. در هر رکعت پس از حمد و توحید آیه **﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾** و **﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾**^۱ را بخوان. اگر چنین کنی، در ثواب حاجیان شریک خواهی شد.^۲

۲. در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: هرکس در نه روز نخست ذی‌الحجه روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه تمام عمر را برای او می‌نویسد.^۳

۳- ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت از روز نخست تا عصر روز عرفه، پس از نماز صبح و پیش از نماز مغرب این دعا را می‌خواند: **اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى الْأَيَّامِ وَ شَرَفْتَهَا ... وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا.**^۴

۱. اعراف (۸): ۱۴۲.

۲. سید بن طاوس، *الاقبال*، ص ۳۱۷.

۳. مجلسی، محمدباقر، *زاد المعاد*، ص ۲۴۰.

۴. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتجهد*، ص ۶۷۲.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: آن پنج دعایی را که خداوند برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه فرستاد تا در دهه نخست ذی الحجه بخواند، بخوان که عبارت‌اند از:

• أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

• أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَدًا.

• أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

• أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

• حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُمْتَهًى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءُ، وَأَنَّ لِلَّهِ الْأَخِرَةَ وَالْأُولَى.^۱

شایان ذکر است ماه ذی الحجه، مناسبت‌های بسیار شاد و شیرین دارد که با توضیحی کوتاه اما گویا در اختیار همکاران معزز قرار می‌دهیم. امید که بپسندند و به کارشان آید.

^۱ نک: قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، اعمال مربوط به ماه ذی الحجه.

روز اوّل: ازدواج آسمانی

آنچه مسلم است پیامبر اکرم ﷺ، در سال دوم هجرت، دخترش فاطمه اطهره را به علی بن ابی طالب تزویج کرد، اما در اینکه آیا این وصلت روز نخست یا ششم ماه ذی الحجه سال دوم هجرت واقع شده،^۱ اختلاف است، ولی آنچه معروف است وقوع این رویداد شیرین در روز اول ماه است. در جمع میان این دو تاریخ شاید بتوان گفت: آنچه به روز نخست ماه مربوط می شود اجرای عقد است و آنچه در روز ششم اتفاق افتاد، این بود که فاطمه به خانه شوهر رفته است.^۲

در اینکه آیا این وصلت چه روزی اتفاق افتاده است، مهم نیست آنچه مهم و جالب توجه است، فرایند ازدواج این همسران نمونه می باشد که از لحظه خواستگاری تا زندگی مشترک و صاحب فرزند شدن، از خود درس ها و پیام های زندگی ساز به ارمغان گذاشته اند که مهم ترین آنها را یادآور می شویم:

محبت امام علی

پاسخ های منفی پیامبر اکرم ﷺ و دخترش فاطمه به خیل خواستگاران که آن بانو را از پدرش خواستگاری

۱. نک: طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ج ۱، ص ۴۳.

۲. نک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶.

می‌کردند، و نیز توجه ویژه و میل باطنی پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ، جمعی را بر آن داشت تا برای تحقق این وصلت مبارک قدمی بردارند و سهمی ایفا کنند. به همین دلیل جمعی به خانه امام علی ﷺ آمدند تا وی را برای خواستگاری فاطمه ﷺ تشویق کنند. او در منزل نبود. دانستند که در نخلستان مشغول آبیاری است. به آنجا رفتند و حضرت را مشغول کار دیدند. یکی از آنان پیشنهاد خواستگاری را مطرح کرد. او همین که نام دختر عمویش فاطمه ﷺ و خواستگاری از آن بانو را شنید، چشمانش را اشک فرا گرفت و فرمود: احساساتم را به هیجان آوردی و آرزوی دیرینه‌ام را بیدار کردی، اما چه کنم که هم دستم خالی است و هم قدرت ندارم این خواسته را به زبان آورم. آن مرد گفت: نیک می‌دانی که همه دنیا پیش پیامبر ﷺ و دخترش ناچیز است و هرگز به مال و ثروت چشم ندوخته‌اند.

او کار آب‌دهی نخلستان را رها کرد و بر شترش سوار شد و با سرعت، خود را به مدینه رساند، شتر را به خانه آورد و آن را بست و خود را برای رفتن به خانه رسول خدا ﷺ آماده کرد.

خواستگاری از فاطمه علیها السلام

هرچند جوان ابوطالب به قصد خواستگاری فاطمه علیها السلام به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته بود، ولی حیای او و ابهت پیامبر صلی الله علیه و آله مانع از آن بود که خواسته‌اش را به زبان آورد تا اینکه ...

بگذارید این خواستگاری تاریخی را از زبان امام رضا علیه السلام روایت کنیم که به شیرینی این خواستگاری می‌افزاید. آن حضرت در روایت این جریان شیرین به نقل جدش امام علی علیه السلام فرمود:

تصمیم به ازدواج گرفتم، ولی نمی‌توانستم این مطلب را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان بگذارم. مدتی این موضوع فکرم را مشغول کرده بود تا اینکه روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم. من که در محضر او سر به زیر بودم پرسید: آیا میل به ازدواج داری؟ گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله به این امر داناتر است. در آن لحظه، هم خوشحال بودم و هم ناراحت. خوشحالی برای اینکه توانستم خواسته‌ام را - هرچند سربسته - به زبان آورم؛ نگرانیم به این دلیل که در دل گمان کردم که آن حضرت می‌خواهد به جای فاطمه علیها السلام یکی از دختران قریش را به ازدواجم درآورد.

چند لحظه بیش نگذشته بود که آن دریای رحمت، با چهره‌ای درخشان و لبانی متبسم، نگاهی متفاوت و

محبت‌آمیزتر از همیشه به من کرد و فرمود: ای علی! مژده، خداوند این موضوع را که فکرم را به خود مشغول کرده بود، خود بر عهده گرفت. گفتم: کدام موضوع و آن چیست؟ فرمود: جبرئیل به من خبر داد که خداوند بزرگ امر فرموده تا بهشت را آذین بندند و حورالعین‌ها به خواندن سوره طه و شورا و هر سوره‌ای که با «طسم» شروع می‌شود، مشغول شوند و نیز به منادی دستور داد تا در میان فرشتگان و ساکنان بهشت چنین جار زنند که ای فرشتگان من و ای ساکنان بهشت! شاهد باشید که فاطمه علیها السلام دختر پیامبرم را به عقد علی بن ابی‌طالب علیه السلام درآوردم و بدانید که من برای آنها خیر و برکت قرار دادم.

پس مژده ای علی! که من نیز همچون خدای رحمان، دخترم را به ازدواج تو درآوردم و آنچه را که خداوند برای او پسندید من نیز می‌پسندم. اینجا بود که امام علی علیه السلام دست به دعا برداشت و فرمود: پروردگارا! مرا بر آن دار تا شکر نعمتی که به من ارزانی داشتی، به جای آورم. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دعای وی را آمین گفت.^۱

سکوتی برتر از سخن

گرچه خداوند رحمان و پیامبرش صلی الله علیه و آله به ازدواج فاطمه علیها السلام با حضرت علی علیه السلام رضایت داشتند، ولی می‌طلبید

^۱. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۶۲.

که این ماجرا برای آن بانو نیز بازگو شود. این بود که پیامبر اکرم ﷺ نزد دخترش رفت و فرمود: دخترم! تو علی را خوب می‌شناسی و پیشینه ایمان، فضیلت و پارسایی او را می‌دانی. من همیشه آرزو داشتم تو را خوشبخت کنم و به عقد کسی درآورم که بهترین مرد روی زمین باشد. و من آن مرد را پسر عمویت علی می‌دانم، آیا برای ازدواج با او رضایت می‌دهی؟

فضای اتاق لحظاتی غرق در سکوت بود، سکوتی از سر حیا، بی‌بی ساکت و سر به زیر بود و چیزی بر زبان جاری نکرد. پدر که سکوت دخترش را دید، نغمه تکبیرش بلند شد و فرمود: الله اکبر که سکوتش نشان از رضایت او به این وصلت است. واکنش فاطمه علیها السلام در برابر دیگر خواستگاران این بود که با برگرداندن چهره، ناراحتی خود را نشان می‌داد، اما این بار او روی خود را برگرداند و با سکوت خود، صد سخن گفت. پدر که رضایت دخترش را دید با خوشحالی نزد دامادش علی علیه السلام که در انتظار پاسخ فاطمه علیها السلام بود، برگشت و رضایت دخترش را به علی علیه السلام خبر داد.

خطبه عقد و پیوند آسمانی

پس از آنکه رضایت فاطمه علیها السلام گرفته شد، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد امام علی علیه السلام به مسجد برود و نیز به بلال پیام داد تا مهاجران و انصار را به مسجد فراخواند. همین که

گروهی از مسلمانان در مسجد گرد هم آمدند. پیامبر ﷺ بر منبر نشست و در حضور شاهدان، خطبه عقد برترین بانوی اسلام را جاری کرد.

احکام: عقد ازدواج چند شرط دارد: اول آنکه به احتیاط واجب به عربی صحیح خوانده شود. و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به غیر عربی نیز می‌توانند بخوانند. دوم مرد و زن یا وکیل آنها قصد انشاء داشته باشند. سوم آنکه عاقد، عاقل و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد. (برخی: ممیز بودن کافی است). چهارم آنکه عاقد در هنگام عقد، زن و شوهر را معین کند. پنجم آنکه زن و مرد به ازدواج راضی باشند. (مسئله ۲۳۷۰ توضیح المسائل مراجع)

روز دوم: ادامه ازدواج حضرت علی و

فاطمه علیها السلام

دوره نامزدی

امام علی علیه السلام در خاطره‌ای زیبا، پایان دوره نامزدی‌اش با فاطمه علیها السلام را چنین بیان می‌کند: چند روزی از اجرای خطبه عقده‌مان گذشت. در این روزها به مسجد می‌رفتم و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می‌خواندم و به خانه‌ام برمی‌گشتم و در این مدت درباره ازدواج سخنی به آن حضرت نگفتم تا اینکه برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفتند: نمی‌خواهی درباره عروسی با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کنیم؟ گفتم: صحبت کنید. آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

رفتند و عرض کردند: علی علیه السلام دوست دارد همسرش را به خانه ببرد. چشم فاطمه علیها السلام را به دیدار شوهرش روشن فرما. پیامبر صلی الله علیه و آله که خواسته مرا دانست با برگزاری مراسم ازدواج موافقت کرد. از این رو، دستور داد تا مقدمات عروسی را فراهم کنند.

مراسم عروسی

هنگامی که فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام می بردند، پیامبر صلی الله علیه و آله به اتفاق همسرانش پیشاپیش عروس حرکت می کردند. حمزه، عقیل، جعفر و دیگر خاندان عصمت علیهم السلام از پشت سر و برخی از بنی هاشم با شمشیرهای کشیده در کنار می آمدند.^۱

آنگاه که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آنان را به خانه برد، دست دخترش را در دست دامادش گذاشت و فرمود: **بَارِكْ اللَّهُ فِي بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ. وَ سِيسِ دَسْتُورِ دَادِ تَا هَمِهْ خَانِهْ رَا تَرَكْ كِنْدُ وَ عَرُوسِ وَ دَامَادِ رَا تَنَهَا بَغْدَارِنْدُ. خُودِ اَنَ حَضْرَتِ وَ قَتِي خَانِهْ رَا تَرَكْ مِي كَرْدِ، چَارچُوبِ دَرِ رَا گَرَفْتِ وَ دَرِ حَقِّ اَنَ دُو دَعَا كَرْدِ وَ فَرَمُودَ: طَهَّرْ كَمَا اللهُ وَ طَهَّرْ نَسْلَكَمَا، اَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمَا وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمَا، اُسْتُودِعُكُمَا اللهُ وَ اُسْتَخْلَفُهُ عَلِيكَمَا.**

^۱ سید بن طاووس، *اقبال الاعمال*، ص ۵۸۴.

همه جز اسماء بنت عمیس به منازل خود رفتند. ماندن او به این دلیل بود که حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام مرگ از اسماء پیمان گرفت که در شب عروسی فاطمه علیها السلام او را تنها نگذارد. اسماء نیز به عهد خود وفا کرد و چون او ماجرا را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد، حضرت به یاد خدیجه علیها السلام گریست و اجازه داد اسماء در آن شب در خانه فاطمه علیها السلام بماند.^۱

کانونی پر از مهر

زندگی مشترک آن زن و شوهر در خانه‌ای ساده، اما پر از نور و مهر آغاز شد. یاد خدا چلچراغ خانه آنها بود و غیر از رضایت حضرت حق، خواسته‌ای دیگر نداشتند. حضرت زهرا علیها السلام رازدار حضرت علی علیه السلام بود و او پناهگاه فاطمه علیها السلام. امام در گزارشی از زندگی خود با فاطمه علیها السلام فرمود: در طول زندگی نه فاطمه علیها السلام از من رنجیده شد و نه او مرا رنجانید. نه او را به کاری مجبور کردم و نه او مرا آزرده خاطر ساخت. آن حضرت در ابراز رضایت از همسرش فرمود: **وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ**؛^۲ هرگاه به چهره‌اش نگاه می‌کردم، غصه‌ها و دلتنگی‌هایم برطرف می‌شد.

۱. قمی، عباس، *فیض‌العلام*، ص ۱۶۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

خانه‌ای گلی و گل‌های زندگی

حضرت علی و فاطمه علیهم‌السلام زندگی را در خانه‌ای گلی آغاز کردند، اما زیباترین گل‌های زندگی همچون دو امام، حسن و حسین علیهم‌السلام و دو دختر گرانمایه، زینب و ام‌کلثوم علیهم‌السلام در همان خانه به دنیا آمدند و پرورش یافتند. این چهار تن در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدت نه سال به دنیا آمدند. آخرین فرزند ایشان محسن علیه‌السلام بود که چند روز پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به وسیله ضربه‌ای که میان در و دیوار به حضرت فاطمه علیها‌السلام وارد شد به شهادت رسید.^۱

احکام: دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جدّ پدري خود اجازه بگیرد. و اجازه مادر و برادر لازم نیست. (مسئله ۲۳۷۶ توضیح المسائل مراجع)

در این فتوا مراجع اتفاق دارند جز آیت الله بهجت (ره) که می‌گوید: در صورتی که بکارت غیر باکره به سبب ازدواج شرعی از بین رفته باشد اجازه پدر و جد لازم نیست.

روز سوم: حجة الوداع

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از هجرت به مدینه، تنها سه بار وارد مکه شد؛ یک‌بار در سال هفتم هجرت در جریان

^۱ ابن جریر طبری، محمد، *دلائل الامامة*، ص ۴۷ - ۴۵.

عمره قضا وارد مکه شد. بار دوم در جریان فتح مکه در سال هشتم و بار سوم برای انجام حجةالوداع در سال دهم هجرت وارد مکه شد.

از آنجا که با مدیریت بت پرستان در مکه، کعبه و دستورات حج دستخوش تحریف و تغییر شده بود، پیامبر اکرم ﷺ از سوی خدا مأموریت یافت که خود به حج رود و در عمل، مناسک و دستور این عمل عبادی را به بندگان خدا تعلیم دهد. به این دلیل است که این حج را حجةالبلاغ نیز می‌گویند؛ چراکه آن حضرت در عمل احکام حج را ابلاغ کرد و به مردم تعلیم داد.

آن حضرت در پی اجرای این دستور الهی، در روز یازدهم ذیقعده دستور داد که در شهر و در میان قبایل اعلام کنند که آن حضرت امسال عازم زیارت خانه خدا و انجام عمل عبادی حج است تا هرکس دوست دارد او را در این سفر معنوی همراهی کند.

این خبر مسرت بخش، شوق و علاقه فراوان در دل مردم ایجاد کرد و گروهی از مسلمانان، به ویژه مهاجران که چندین سال بود شهر و کاشانه خویش را ندیده بودند، آماده این سفر شدند.

پیامبر ﷺ در روز بیست و ششم ماه ذیقعده، فردی به نام «ابودجانه» را به جانشینی خود در مدینه نصب کرد و

مدینه را به سوی مکه ترک نمود. وقتی در بین راه به ذوالحلیفه رسید، در زیر درخت که در آنجا بود محرم شد و لبیک گفت و راهی مکه شد. گفتنی است پس از آن جریان، مردم در همان نقطه‌ای که آن حضرت محرم شده بود، مسجدی بنا کردند و آن را مسجد شجره نامیدند.

در روز سوم ذی‌الحجه وارد مکه شد و یک سر به مسجد الحرام رفت و مناسک حج مانند طواف، خواندن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم علیه السلام، سعی بین صفا و مروه و تقصیر انجام داد و سپس فرمود: آنان که با خود قربانی همراه آورده‌اند و می‌خواهند حج قرآن انجام دهند، در احرام می‌مانند تا روزی که در منا و در روز دهم قربانی کنند، ولی دیگران که قربانی با خود همراه نکرده‌اند از این لحظه از احرام بیرون می‌آیند و همه چیز بر آنها حلال می‌شود تا روز نهم که دوباره محرم شوند و برای اعمال مناسک حج عازم عرفات گردند.

این کار بر برخی مسلمانان، از جمله عمر بن خطاب گران آمد و گفتند: چطور می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله در احرام بماند و چیزهایی که بر او حرام است بر ما حلال باشد و گاهی در تحریف آشکار احکام الهی می‌گفتند: چطور می‌توان زائر خانه خدا بود، درحالی که قطرات آب غسل از او می‌چکد.

وقتی پیامبر ﷺ عمر را در احرام دید، پرسید: آیا با خود قربانی همراه کرده‌ای که در احرام مانده‌ای؟ گفت: نه، ادامه داد و گفت: نمی‌توانم بپذیرم که زائر خانه خدا باشم و حق داشته باشم با همسر خود همبستر شوم. پیامبر فرمود: نه حالا، بلکه پیوسته بر این عقیده خواهی ماند.

احکام: حجّی که بر انسان واجب می‌شود، حجة الاسلام نام دارد. این حج در تمام عمر یکبار واجب است که باید در همان سال استطاعت بجای آورد و تأخیر آن جایز نیست. از این‌رو، پس از استطاعت، اگر درك حج، بر مقدماتی مانند سفر و تهیه اسباب آن متوقف باشد، فراهم آوردن آن نیز واجب خواهد بود. (مناسک امام خمینی، ص ۱۰)

روز چهارم برابر با ۷ مهر: روز آتش نشانی و

ایمنی

صدای آژیر که بلند می‌شود تفاوتی نمی‌کند که آتش‌نشانان ایثارگر در چه حالی باشند. در حال غذاخوردن، ورزش، استراحت یا حتی تازه از عملیات برگشته باشند، باید با سرعت عازم محل حادثه شوند. بدیهی است تا وقتی که به محل حادثه برسند، از خدا می‌خواهند مانعی پیش نیاید و به موقع به محل حادثه برسند تا بتوانند به هم نوعان آسیب دیده

خود کمک کنند. زمانی که به محل حادثه می‌رسند نیز به هیچ چیزی جز نجات جان افراد گرفتار در آب و آتش، و احیانا زیر آوار فکر نمی‌کنند. از جان خود مایه می‌گذارند تا جانِ هموعان خویش را نجات دهند.

زمانی که عملیات نجات و اطفای حریق با موفقیت به پایان می‌رسد، سر از پا نمی‌شناسند و خدای خویش را سپاس می‌گویند که آنها را وسیله‌ای برای نجات جان بندگان قرار داده است. آن لحظه است که تمام خطرپذیری‌ها و خستگی‌ها را فراموش می‌کنند و لبخندی از سر رضایت بر لبانشان نقش می‌بندد.

بدیهی است که آتش‌نشانان در هر مأموریتی، در معرض چندین عوارض ناشی از وقوع حوادث هستند. عوارض ناشی از استرس رانندگی و ترافیک، عوارض ناشی از اثرات دود و گازهای سمّی متصاعد در محل عملیات، عوارض ناشی از صدای آژیر، بلندگو، همه‌مردم، نور چراغ‌گردان، اثرات ناشی از حرارت در محل حریق، عوارض ناشی از تماس یا جذب مواد شیمیایی از طریق پوست، عوارض ناشی از صدمات فیزیکی در حین عملیات و مانند آن از جمله این عوارض است.

علاوه بر این، نیروهای آتش‌نشانی در هنگام عملیات نجات و امداد، در معرض عوارضی نظیر رؤیت صحنه‌های

دلخراش و دردآور، عوارض ناشی از وقوع انفجار در صحنه حادثه، گریه و فریاد آسیب‌دیدگان و وابستگان آنان و بدتر از همه آنکه اگر به دلیل محدودیت امکانات آن‌گونه که دیگران توقع دارند، نتوانند عملیات امداد را به‌موقع و به درستی انجام دهند و خدای نخواستہ کسی در این میان فوت کند که هم وجدان و هم دیگران آدمی را از پای درمی‌آورد.

ضمن تبریک این روز به آتش‌نشانان زحمت‌کش و ضمن آروزی موفقیت و سلامتی این عزیزان و طلب رحمت و مغفرت برای آن عزیزانی که احتمالاً برای حفظ جان دیگر شهروندان، جان خود را از دست داده‌اند، به پاس زحمات ایثارگرانه این قشر زحمت‌کش چند روایت از سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تقدیم می‌گردد:

وقتی این عزیزان برای حفظ جان دیگران به شعله‌های آتش نزدیک می‌شوند و داغی آن را به جان می‌خرند، به این سخن نورانی و مسرت‌بخش پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توجه کنند که گویی آن حضرت این سخن نورانی را دربارهٔ آنان بیان کرده است که فرمود:

مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ مَاءٍ أَوْ نَارٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛^۱ هرکس گروهی از مسلمانان را از خطر آب یا آتش نجات دهد بهشت بر او واجب می‌گردد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵.

برهان این سخن نورانی پیامبر اکرم ﷺ را از این سخن آن حضرت بشنویم که فرمود: **دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضُنِ مِنْ شَوْكِ كَانِ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ**^۱ بنده‌ای به سبب برداشتن شاخهٔ خاری از سر راه مسلمانان به بهشت رفت.

اگر طبق فرمودهٔ رسول خدا ﷺ کسی شاخهٔ خاری از مسیر مسلمانان بردارد به بهشت می‌رود، آیا آتش‌نشانی که با خطرپذیری، دیگران را از سیلاب و آتش نجات می‌دهند، به بهشت در نمی‌آیند؟ آیا این عزیزان مشمول این آیهٔ شریفه نمی‌شوند که فرمود: **... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَ مِمَّا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا**^۲

جالب این است که امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که این آیه دربارهٔ چه کسانی نازل شده است، درست این آیه را به آتش‌نشانان تفسیر کرده، می‌فرماید: **مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ**^۳.

پیشنهاد:

خوب است به مناسبت روز ملی آتش‌نشانی از این عزیزان به مسجد دعوت شود تا هم از بخش‌های مختلف مسجد بازدید به عمل آورند و توصیه‌های ایمنی لازم را به متولیان مسجد تذکر دهند، و هم برای ارتقای سطح ایمنی

۱. شیخ صدوق، *الخصال*، ص ۳۲.

۲. مائده (۵): ۳۲.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۱۱.

در میان مردم، در حضور نمازگزاران هشدارهای لازم را بیان کند. و در پایان به پاس زحمات این قشر جان‌برکف، با اهدای لوح تقدیر و هدایا از آنان تقدیر به عمل آید.

احکام: در بیمه علاوه بر شرائطی که در سایر عقود است از قبیل بلوغ و عقل و اختیار و غیر آنها، چند شرط معتبر است: ۱- تعیین مورد بیمه که فلان شخص یا فلان مغازه است و یا فلان اتومبیل. ۲- تعیین دو طرف یعنی بیمه‌کننده و شرکت بیمه‌پذیر. ۳- تعیین مبلغی که باید پردازند. ۴- تعیین تعداد اقساط و زمان اقساط. ۵- تعیین زمان آغاز بیمه و پایان آن. ۶- تعیین حوادثی که موجب خسارت می‌شود. (مسئله ۲۸۶۳ توضیح المسائل مراجع)

روز پنجم: خیانت به خود

همان‌گونه که خیانت به دیگران مردود است، خیانت به خود نیز مردود است. قرآن کریم در ضرورت پرهیز از خیانت به خود، می‌فرماید: ﴿عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ، فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ﴾^۱ خدا می‌دانست که شما به خودتان خیانت کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت.

طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید: در این آیه خیانت به خود، به معنای محروم ساختن خود از حقوق مسلم، و لذت‌های شرعی و معنوی است.^۱

بنابراین، هر کاری که آدمی را از به دست آوردن حق مسلمش بازدارد و هر رفتاری که عزت و آبروی او را خدشه‌دار کند، از موارد خیانت به خود به شمار می‌آید. امام صادق علیه السلام در ضرورت حفظ عزت و آبروی اهل ایمان فرمود: **فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ**؛^۲ خداوند هر چیزی را به مؤمن وانهاده است جز خوار کردن خود. انسان، دانسته یا ندانسته با انجام این کارها، به خود خیانت می‌کند. موارد زیر از جمله این کارهاست.

۱. پذیرش مسئولیت بیش از حدّ توان

یکی از موارد خیانت به خود، پذیرش مسئولیت بیش از حدّ توان است؛ زیرا چنین مسئولیتی آدمی را از پای درمی‌آورد و سرانجام وی را مجبور به پذیرش شکست و ناکامی می‌کند. امام صادق علیه السلام در پرهیز از پذیرش چنین مسئولیتی، فرمود:

۱. طبرسی، **مجمع‌البیان**، ج ۲-۱، ص ۵۰۴.

۲. طبرسی، **مشکاة الانوار**، ص ۲۴۵.

لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ. قِيلَ لَهُ: وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ؟
 قَالَ: يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ فَيُذِلُّهَا؛^۱ سزاوار نیست که مؤمن
 خود را خوار گرداند. گفته شد: چگونه وی، خود را خوار
 می‌گرداند. فرمود: به کاری درآید که از توان او بیرون
 است.

۲. طمع و آزمندی

طمع و آزمندی نیز از مصادیق خیانت به خود است.
 امام علی علیه السلام در هشدار به این موضوع، بیان داشته که طمع،
 هم عزت آدمی را خدشه‌دار می‌کند: الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الذُّلِّ؛^۲
 آزمند در بند خواری، گرفتار است. و هم زمینه شکست
 اندیشه‌ها را فراهم می‌آورد: أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ
 الْمَطَامِعِ؛^۳ بیشترین قربانگاه خردها زیر برق طمع‌هاست.

۳. رازگویی

بدیهی است که هرکس در زندگی خود، رازهایی دارد
 که لازم است آن را مانند جان حفظ کند؛ چراکه رازگویی
 از دو حال بیرون نیست، یا خبر از پیروزی‌ها و
 کامیابی‌هاست که ارزانی وی شده یا پرده‌برداری از
 شکست‌ها و تلخ‌کامی‌هاست.

۱. نک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

۲. فیض الاسلام، شرح و ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷، ص ۱۱۸۶.

۳. همان، حکمت ۲۱۰، ص ۱۱۸۴.

در صورت نخست، آدمی در معرض حسادت و رشک دیگران قرار می‌گیرد که چه‌بسا از این راه به وی زبانی برسانند.^۱ و در صورت دوم، رازگویی سبب می‌شود تا از سوی دیگران سرزنش شود و آماج زخم زبان قرار گیرد. امام علی علیه السلام در این باره که رازگویی، نوعی خیانت به خود است، فرمود: **كُنْ بِأَسْرَارِكَ بَخِيلاً، وَ لَا يَدْعُ سِرّاً أَوْدَعْتَهُ، فَإِنَّ الإِذَاعَةَ خِيَانَةٌ**؛^۲ نسبت به رازهای خود بخیل باش و رازی را که پنهان داشته‌ای فاش مکن، که فاش ساختن آن، خیانت است.

آن حضرت در جای دیگری فرمود: **سِرُّكَ أَسِيرُكَ، فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ**؛^۳ راز تو در بند توست که اگر آن را فاش کنی، خود در بند آن گرفتار می‌شوی.

۴. گناه

گناه، در فرهنگ دینی نوعی نافرمانی نسبت به دستوره‌های خداست و از نمونه‌های آشکار خیانت به خود است؛ زیرا کسی که دامنش به گناه آلوده شود، از ارج و منزلتش کاسته

۱. نک: ماورّدی، علی بن محمد، *ادب الدنيا و الدین*، ص ۵۴۹.

۲. خوانساری، محمد بن حسین، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، ج ۴، ص ۶۱۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۴۶.

می‌شود. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: **مَنْ عَصَى اللَّهَ ذَلَّ قَدْرُهُ**^۱ هرکس خدا را نافرمانی کند از ارج وی کاسته می‌شود.

احکام: آمده که چند چیز در غذا خوردن مکروه است:
 ۱- در حال سیری غذا خوردن. ۲- پرخوری. ۳- نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن. ۴- خوردن غذای داغ. ۵- فوت کردن به غذا یا نوشیدنی داغ. (مسئله ۲۶۳۷ توضیح المسائل مراجع)

روز ششم برابر با ۹ مهر: روز جهانی سالمندان

مکتب اسلام، پیران و سالخوردگان را محترم شمرده و به آنان ارج می‌نهد و افراد را به رعایت حقوق و احترام سالمندان سفارش کرده است و جامعه را به بهره‌گیری از دانش و اندوخته‌های تجربی آنان ترغیب می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضرورت حرمت نهادن به پیران، می‌فرماید: **مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسَنَةِ فَوْقَهُ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ**^۲ هرکس فضیلت و مقام یک بزرگ را به خاطر سن و سالش بشناسد و او را مورد احترام قرار دهد، خدای متعال او را از هراس و نگرانی روز قیامت ایمن می‌دارد.

با وجود این همه دستورهای آموزنده درباره حرمت نهادن به پیران و سالخوردگان، سوگمندانة برخی افراد و

۱. لیبی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم**، ص ۴۲۹.

۲. کلینی، **الکافی**، ج ۲، ص ۶۵۸.

خانواده‌ها وجود سالخوردگان را مزاحم پنداشته و برخورداردی نامناسب و دور از شأن آنها دارند. از این‌رو، تلاش می‌کنند آنان را از محیط خانه دور کنند و به خانه سالمندان روانه سازند.

سازمان ملل برای تکریم سالمندان، روز اول اکتبر را که برابر با نهم مهرماه است، به عنوان روز جهانی سالمندان نامیده است تا به این وسیله توجه خانواده‌ها به سالخوردگان و ضرورت حرمت نهادن به آنان جلب شود و نیز توجه جهانیان به موضوع سالمندی و پیر شدن جمعیت که سال به سال بیشتر می‌شود معطوف گردد و به فکر علاج این معضل درآیند.

اکنون که سخن از سالمندان است، در ضرورت حرمت نهادن به آنان دو حدیث یادآور می‌شویم. پیامبر رحمت ﷺ در یک‌جا احترام گذاشتن به سالخوردگان را با تجلیل خدا برابر دانسته، می‌فرماید: **مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ**^۱ و در جای دیگر، بزرگداشت پیران را بزرگداشت خود تلقی کرده، می‌فرماید: **إِنَّ مِنْ إِجْلَالِي تَوْقِيرُ الشَّيْخِ مِنْ أُمَّتِي**^۲.

احکام: انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مانند والدین و اولاد خرجشان بر او واجب است، از زکات

^۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۵.

^۲. سیوطی، جلال الدین، **الجامع الصغير**، ج ۱، ص ۳۷۷.

بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد، دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند. (مسئله ۱۹۵۶ توضیح المسائل مراجع)

روز هفتم: شهادت امام محمد باقر علیه السلام

هفتم ماه ذی‌الحجه مصادف با سالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام است.

آن حضرت ۵۷ سال عمر کرد که مربوط می‌شود به فاصله سال‌های ۵۷ تا ۱۱۴.

دوران امامت آن حضرت نوزده سال و چند ماه است که به فاصله زمانی سال ۹۵ (سال شهادت امام سجاد علیه السلام) تا سال ۱۱۴.ه.ق، که زمان شهادت آن امام است، مربوط می‌شود.

امام باقر علیه السلام پس از عمری تلاش در میدان بندگی خدا، احیای دین، ترویج علم و ارائه خدمات اجتماعی به جامعه اسلامی، با سفارش هشام بن عبد الملک مسموم و سر انجام در روز هفتم ماه ذی‌الحجه سال ۱۱۴.ه.ق، به شهادت رسید.^۱ به این صورت که هشام برای عملی کردن نیت شیطانی خود، از ابراهیم بن ولید که عنصری اموی و دشمن اهل‌بیت علیهم السلام بود، کمک گرفت و او امکانات لازم را در اختیار فردی که از اعضای داخلی خاندان حضرت

۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۸.

علی علیه السلام بشمار می آمد و می توانست در محیط زندگی امام باقر علیه السلام رفت و آمد کند، قرار داد تا به این وسیله، برنامه خائنانه هشام را عملی کند. او پنهانی زین اسب امام را به زهر حساسیت‌زا آلوده کرد. پس از آنکه امام بر اسب سوار شد ران‌های آن حضرت متورم شد و سه روز در بستر بیماری افتاد و سرانجام به ملاقات معبود شتافت و در بقیع، کنار مرقد پدر بزرگوارش، امام سجاده علیه السلام و عموی پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام مدفون گشت.

ای فروزان گوهر پاک بقیع

گل پرپر شده در خاک بقیع

کربلا دیده‌ای و کوفه و شام

ای شهید از اثر زهر هشام

آقا جان امام باقر علیه السلام هرچند شما را مسموم کردند و مظلومانه شما را به شهادت رساندند، ولی پس از شهادت، کسی با جنازه شما کاری نداشت، اما دل‌ها بسوزد به یاد جد غریبتان حسین علیه السلام که پس از شهادت، جنازه‌اش را عریان کردند و اسب بر آن تاختند.

مقابله امام با بدعت و بدعت گذاران

بدعت در نظام عقیدتی اسلام یکی از نمودهای بارز انحراف از مسیر وحی است که عوامل و انگیزه‌هایی گوناگون در پیدایش آن مؤثر است. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. جهل به مبانی و معارف اصیل اسلامی

پیرایه‌ها و باورهای خرافی که گاه در محیط‌های مذهبی رخ می‌نماید و به عنوان دین و باورهای دینی تلقی می‌گردد، بیشتر ناشی از ناآگاهی مردم از مبانی اصیل دینی است.

۲. وجود تعصب‌ها و رسوم غلط اجتماعی

وجود تعصب‌ها و رسومی که به غلط در جامعه انتشار می‌یابد، گاهی آنچنان پیش می‌رود که به وسیله‌ای برای بدعت و بدعت‌گذاری تبدیل می‌شود.

۳. تدابیر حیل‌گرانه عناصر ضد دین

کسانی که در باطن خویش با پیام وحی بیگانه‌اند و با شریعت تضاد دارند، آنگاه که در مبارزه با اسلام احساس ناتوانی کنند؛ می‌کوشند تا با نفوذ ایده‌های غیر دینی در مجموعه باورهای مکتبی، به طور خزنده ماهیت اصلی دین را تضعیف کنند.

امام باقر علیه السلام در مبارزه با بدعت و بدعت‌گذاران، هم به تبیین مبانی و سنت‌های اصیل اسلامی پرداخت و هم نفی و طرد بدعت‌ها را در محدوده رسالت علمی و عملی خود قرار داد.

آن حضرت با استفاده از این سخن حضرت علی علیه السلام که فرمود: **مَا أُحْدِثُ بَدْعَةً إِلَّا تُرِكَ بِهَا سُنَّةٌ**^۱ فرمود: کسی که

۱. فیض الاسلام، شرح و ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵.

روش و دینی غیر از دین خدا پی نهد مشرک است.^۱ آن حضرت در جای دیگر فرمود: هرکس با بدعت و سخنانی باطل که به دروغ بر خدا بسته می شود گردن نهد و به آن پایبند باشد، دین ندارد.^۲

احکام: برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مانند دشنام و دروغ و اهانت جایز نیست، مگر آنکه معصیت از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه، مانند قتل نفس محترمه، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو که ممکن است. (مسئله ۲۸۱۶ توضیح المسائل مراجع)

روز هشتم: حرکت امام حسین علیه السلام از مکه

روز هشتم ماه ذی الحجّه روز ترویبه است. در این روز حاجی ها در مکه به نیت حج تمتع محرم می شوند و عصر این روز، به قصد عرفات مکه را ترک می کنند.

دلیل نامگذاری این روز به ترویبه این است که در زمان پیش در عرفات آب یافت نمی شد و برای رفع نیاز روز نهم، در روز هشتم آب به صحرای عرفات می بردند. عرب ها از هم می پرسیدند: **تَرَوَيْتُمْ تَرَوَيْتُمْ؟**

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۱۰.

آنچه که مسلم است امام حسین علیه السلام تصمیم داشت پس از فراغت از حج، عازم عراق شود، ولی پس از آنکه اطلاع یافت، برخی عناصر اموی، به قصد ترور آن حضرت، در قالب کاروان‌های حاجیان وارد مکه شده‌اند، تصمیم گرفت حج را نیمه تمام بگذارد و مکه را ترک کند و راهی عراق شود. این تصمیم به این دلیل بود که اگر به نیت تمام کردن حج در مکه می‌ماند، و از سوی مأموران اموی مورد سوء قصد قرار می‌گرفت و به شهادت می‌رسید، حرمت سرزمین مکه که جای امن است و نباید حیوانی کشته شود تا چه رسد به انسان، مخدوش می‌شد و قداست سرزمین وحی هتک می‌شد. از این رو، امام برای حفظ حرمت این سرزمین، آن را به قصد عراق ترک کرد تا اگر اتفاقی بیفتد در خارج از سرزمین امن الهی باشد و به این وسیله حرمت و قداست آن سرزمین محفوظ بماند.

بحثی که در این جا وجود دارد، این است که آیا امام حسین علیه السلام روز هشتم این سرزمین را ترک کرد یا روز نهم؟ برخی مورخان احتمال روز هشتم را معروف و مشهور دانسته‌اند و می‌گویند: خروج امام حسین علیه السلام هم‌زمان بود با خروج مسلم در کوفه، و چون خروج آن حضرت در کوفه روز هشتم بوده و شهادتش در روز نهم واقع شده است، نتیجه می‌گیرند که خروج امام از مکه در روز هشتم ماه

بوده است.^۱ ولی در برخی منابع روز خروج آن حضرت از مکه هم زمان با شهادت حضرت مسلم رضی الله عنه در کوفه معرفی شده که در روز نهم واقع شده است.^۲

شایان ذکر است که دعای عرفه، در روز نهم ذی الحجه در مراسمی پیش از سال حادثه عاشورا توسط امام حسین رضی الله عنه خوانده شده است؛ زیرا سالی که عاشورا اتفاق افتاد، آن حضرت عمره مفرده انجام داد و قصد تمتع نداشت. از این رو در روز ترویبه مکه را ترک کرد و راهی عراق شد.

احکام: حج با وجود شرط عقل، بلوغ و استطاعت واجب می‌شود. البته باید توجه داشت که استطاعت از چند جهت مانند مال، صحت بدن، توانایی بر انجام عمل، باز بودن راه برای رفت و برگشت و وسعت وقت واجب می‌شود.

(مناسک امام خمینی، ص ۱۱)

روز نهم: روز عرفه

روز عرفه، از ایام باشکوه و عظیم است. روزی است که درهای آسمان برای پذیرش تضرع‌های عاشقانه بندگان خدا گشوده می‌شود. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در بشارت به آمرزش روز عرفه، فرمود: **ما مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يُعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ**

۱. نک: مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، ج ۲، ص ۶۶.

۲. نک: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

عَرَفَةَ؛^۱ خداوند در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگانش را از آتش دوزخ نمی‌رهاند.

آن حضرت در جای دیگر فرمود: **أَعْظَمُ أَهْلِ عَرَفَاتِ جُرْمًا مَنْ انصَرَفَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرَ لَهُ**؛^۲ گناه‌کارترین فرد در عرفات کسی است که از آن جا بازگردد، در حالی که گمان می‌برد آمرزیده نشده است.

برای این روز اعمالی وارد شده است که برخی عبارت‌اند از:

۱. انجام غسل پیش از زوال؛
۲. زیارت امام حسین علیه السلام که ثوابش از هزار حج و هزار عمره بالاتر است؛
۳. پس از نماز عصر پیش از آنکه مشغول خواندن دعاها، عرفه شود، در زیر آسمان دو رکعت نماز خوانده شود، در رکعت نخست پس از حمد، توحید و در رکعت دوم، سوره کافرون خوانده شود؛
۴. کسی که ضعف پیدا نمی‌کند و مانع خواندن دعا نمی‌شود، روزه بگیرد؛
۵. خواندن تسبیحات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز عرفه از جمله اعمال روز عرفه است.

۱. بیهقی، احمد بن موسی، *السنن الکبیرا*، ج ۵، ص ۱۱۸.

۲. قاضی، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، ج ۱، ص ۳۲۰.

اهمیت و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز

عرفه

پس از آشنایی با اهمیت روز عرفه، آنچه قابل توجه است تأکید روایت‌ها بر زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام در روز عرفه است که با استفاده از این روایت‌ها، برخی نکات را یادآور می‌شویم:

۱. برابری زیارت امام حسین علیه السلام با هزار حج و عمره

در حدیثی معتبر از رفاعه نقل شده که می‌گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا امسال حج مشرف شدی؟ گفتم: فدایت شوم پولی نداشتم تا به حج روم، لیکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام بودم. فرمود: خوب کاری کردی، سپس در اشاره به فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام فرمود: اگر نمی‌ترسیدم مردم، حج را ترک کنند، حدیثی را برایت می‌گفتم که با شنیدن آن، هرگز زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ترک نمی‌کردی. آنگاه فرمود:

پدرم مرا خبر داد که هرکس به سوی قبر امام حسین علیه السلام حرکت کند، درحالی‌که عارف به حق آن حضرت باشد، هزار فرشته از جانب راست و هزار فرشته از جانب چپ، وی را همراهی می‌کنند و برای او ثواب هزار حج و هزار

عمره که در رکاب پیامبر ﷺ یا وصی او انجام شود، نوشته خواهد شد.^۱

۲. همسانی با زیارت خدا در عرش

یکی از برکت‌های زیارت امام حسین ﷺ در روز عرفه، همسانی زیارت آن حضرت با زیارت خدا در عرش است. امام صادق ﷺ خطاب به بشیر فرمود:

ای بشیر! وقتی یک نفر از شما در کنار رود فرات غسل کند و سپس به زیارت قبر امام حسین ﷺ رود، درحالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد، اجر صد حج و صد عمره قبول شده و اجر صد جنگ که در رکاب نبی مرسل صورت گرفته باشد برایش منظور می‌کند. سپس در ادامه فرمود:

ای بشیر! بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیرش آن را دارد برسان و بگو: کسی که امام حسین ﷺ را در روز عرفه زیارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.^۲

۳. برخورداری از مدد و رحمت الهی

از امام صادق ﷺ روایت شده است که فرمود: خداوند در روز عرفه، پیش از اهل عرفات، بر زوار قبر امام

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ص ۲۴۰.

۲. شیخ صدوق، کامل الزیارات، ص ۵۶۸.

حسین علیه السلام تجلی کرده و حوائج ایشان را برآورده می‌سازد و گناهانشان را می‌بخشد.^۱

آن حضرت در حدیث دیگری فرمود: چون روز عرفه شود، خداوند بر زوآر قبر امام حسین علیه السلام نظر می‌افکند و می‌فرماید: بازگردید درحالی که گناهان گذشته شما را بخشیدم.^۲

۴. برآورده شدن حاجت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال زیارت کند، خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را به وی عطا خواهد کرد و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرتش را برآورده خواهد ساخت.^۳

شهادت حضرت مسلم

جناب مسلم بن عقیل علیه السلام در پنجم شوال سال ۶۰ ه.ق، به عنوان سفیر و نماینده امام حسین علیه السلام وارد کوفه شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

مأموریت او این بود که از نزدیک ببیند مردم کوفه که نامه‌هایی بسیار برای امام حسین علیه السلام فرستاده بودند و از او

۱. سید بن طاووس، *اقبال الاعمال*، ج ۳، ص ۶۱.

۲. شیخ طوسی، *مصباح المتعجد*، ص ۷۱۵.

۳. ابن قولویه، *جعفر بن محمد، کامل الزیارات*، ص ۵۶۵.

خواسته بودند تا به سوی کوفه آید، آیا بر عهد خود پایبندند یا نه. او پس از آنکه جمع زیادی از مردم کوفه با آن حضرت بیعت کردند، در یازده ذیقعده همان سال نامه‌ای به امام نوشت و آن حضرت را از استقبال و بیعت مردم آگاه ساخت و از امام خواست دعوت کوفیان را لیبیک بگوید.

چند روزی از ارسال نامه مسلم به امام حسین علیه السلام نگذشته بود که عبیدالله بن زیاد به همراه پانصد نفر از مردم بصره، در لباس مبدل و با سر و صورت پوشیده وارد کوفه شد. مردم که شنیده بودند امام حسین علیه السلام به سوی آنان حرکت کرده است و به زودی وارد شهر آنان خواهد شد، با دیدن ابن زیاد گمان بردند که او امام حسین علیه السلام است که وارد کوفه شده است. از این‌رو، در اطراف مرکبش جمع شدند و با احساسات گرم خود از وی استقبال کردند و به او خیر مقدم گفتند. اما همین که به دارالاماره رسید نقاب از چهره منحوس خود کشید و خود را به عنوان والی کوفه به جای نعمان بن بشیر معرفی کرد و از مردم خواست دست از حمایت مسلم علیه السلام بردارند.

آن حضرت که پس از این جریان می‌دانست، دیر یا زود عبیدالله کوچه به کوچه و خانه به خانه به دنبال او خواهد گشت و درصدد دستگیری و قتل او بر خواهد آمد؛ تصمیم گرفت خانه کسی برود که نفوذ بیشتری در کوفه دارد، تا بتواند از او برای ادامه کار و مبارزه با حکومت ستمگر استفاده کند. به همین

منظور خانه هانی بن عروه را برگزید و هانی نیز که از بزرگان کوفه و اعیان شیعه بود، به رسم جوانمردی، به او پناه داد؛ اما زمان زیادی طول نکشید که ابن زیاد از محل اختفای حضرت مسلم علیه السلام در منزل هانی آگاه شد. این جا بود که هم هانی را به دارالاماره فراخواند و هم سربازان خود را برای دستگیری جناب مسلم علیه السلام به جنگ با آن حضرت راهی کوچه و خیابان کرد و سرانجام پس از جراحتهای زیاد که بر بدن مطهر آن حضرت وارد شد، او را دستگیر کردند و به دارالاماره بردند.

ابن زیاد پس از زخم زبان به حضرت مسلم علیه السلام، کشتن او را به شخصی به نام بکر بن حمران احمری سپرد، او کسی بود که در درگیری با مسلم علیه السلام از ناحیه سر و شانه مجروح شده بود. او مأمور شد مسلم علیه السلام را به پشت بام دارالاماره ببرد و گردنش را بزند و پیکرش را بر زمین اندازد.

در میان دشمنان تنها شدم

کوچه گرد غربت و غمها شدم

همنوایم جز حضور ماه نیست

یک نفر حتی مرا همراه نیست

احکام: آب یا مطلق است یا مضاف. آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند مانند آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد مانند آب گل آلود. و غیر اینها آب مطلق است که بر پنج قسم است: اول آب کر،

دوم آب قلیل، سوم آب جاری، چهارم آب باران و پنجم آب چاه. (مسئله ۱۵ توضیح المسائل مراجع)

روز دهم: عید قربان

فضیلت نماز عید قربان

روز دهم ذیحجه، روز عید قربان و از بزرگترین اعیاد اسلامی است که اعمال و دعاهاى خاصی دارد. یکی از اعمال این روز، نماز عید قربان است که دو رکعت بوده و مانند نماز عید فطر با همان شرایط خوانده می شود.

در قنوت این نماز مانند عید فطر دعای «اللهم اهل الکبریاء والعظمة...» خوانده می شود. نمازگزار با خواندن این دعا، خدا را به عظمت، جبروت، عفو و رحمت و بخشش یاد می کند و از او به حق و منزلت این روز بزرگ که عید مسلمانان و مایه شرافت و افتخار پیامبر اکرم ﷺ و خاندان اوست، درخواست می کند که بر محمد و آل او درود فرستد و ما را از خیرها و برکات خویش بهره مند سازد.

در فضیلت نماز عید قربان همین بس که قرآن نیز به آن اشاره کرده، می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ

رَبِّهِ فَصَلِّ ﴿۱﴾ به یقین کسی که پاکی جست رستگار شد و نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز گزارد.

در روایت چنین آمده که منظور از ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلِّ﴾ نماز عید فطر و قربان است.^۲

علامه مجلسی در ذیل آیه ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾^۳ که به نماز دستور داده، می‌گوید: منظور، نماز عید قربان است.^۴

ناگفته روشن است آیات یاد شده در عین حال که بر ضرورت خواندن نماز عید اشاره دارد، متضمن فضائل آنها نیز می‌باشد؛ چراکه آیه نخست می‌گوید: رستگاری از آن کسی است که خود را پاکیزه، قربانی و نماز عید برگزار کند. و در آیه دوم با توجه به اینکه منظور از کوثر، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد، به شکرانه این نعمت بزرگ بهترین تشکر از خدا این است که نماز عید و قربانی انجام شود.^۵

فضیلت و احکام قربانی

یکی از اعمال مشترک میان حاجیان در منا و دیگران، ذبح قربانی است، با این تفاوت که برای حاجی در منا واجب

۱. اعلی (۸۷): ۱۵-۱۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۴۸.

۳. کوثر (۱۰۸): ۲.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۹.

۵. محسن، فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۳.

است ولی برای دیگران مستحب است. گذشته از اینکه قربانی موجب زنده نگه داشتن یاد حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش، اسماعیل علیه السلام است و گذشته از اینکه قربانی از شعائر الهی معرفی شده است: ﴿وَالْبَدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ لَكُمْ﴾^۱ قربانی وسیله تقرب به خداوند است. از این رو، بر انجام آن تأکید بسیار شده است تا جایی که آمده، اگر نه گوسفند و نه پولش را دارید، قرض کنید و قربانی را ترک نکنید. نقل است که در روز عید قربان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ام سلمه خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد یا رسول الله پول نداریم گوسفند بخریم چه کنیم؟ فرمود: استقرضی فإنه دین مقضی؛^۲ قرض کنید؛ چراکه دین قربانی ادا شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشویق به انجام قربانی فرمود: يُغْفَرُ لِصَاحِبِ الْأَضْحِيَةِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دِمَائِهَا؛^۳ با ریختن اولین قطره خون قربانی، صاحب قربانی از گناهان پاک می شود.

عن الرسول -صلى الله عليه و آله- إنما جعل الله الأضحية لِشَبَعِ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ؛^۴ خداوند عید

۱. حج (۲۲): ۳۶.

۲. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۵۹.

قربان را برنهاد تا مستمندان از گوشت سیر شوند؛ پس گوشت قربانی به ایشان بخورانید.

قربانی شرایطی دارد که عبارت‌اند از:

۱. اگر قربانی گوسفند است نباید سنّ آن از شش ماه کمتر

باشد و اگر بیشتر باشد بهتر است، و اگر بخواهند بُز را

قربانی کنند نباید سنّ آن از یک سال کمتر باشد.

۳. گوش، چشم، پا، شاخ و بیضه حیوانی که قربانی می‌شود

باید سالم باشد.

۴. گوسفند قربانی به حدّی لاغر نباشد که در عرف بگویند

لاغر است.

۵. در اینکه گوسفند قربانی نر یا ماده باشد فرقی نمی‌کند

هرچند که اگر نر باشد بهتر است.

۶. قربانی دعایی دارد و آن دعا این است:

اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا
مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ، اِنَّ صَلَاتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحِیَایِ
وَمَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ
الْمُسْلِمِیْنَ، اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَاَلْکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّیْ.^۱

۱. بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۸.

احکام: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن می‌جهد نجس است.

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده، بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش می‌ماند پاک است، ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدنش برگردد، آن خون نجس است. (مسئله ۹۶ و ۹۷ توضیح المسائل مراجع)

روز یازدهم: درس‌های تربیتی از حضرت

ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام

عید قربان یادآور حکایتی ماندگار از ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل علیهم‌السلام است. این حکایت نه یک خاطره، بلکه یک کتاب از آموزه‌های الهی است که می‌توان الگوی تربیتی خوبی از آن دست آورد. در این فرصت برخی عبرت‌های تربیتی و روان‌شناختی را که از این ماجرا می‌توان گرفت، یاد می‌کنیم تا راه و رسم تربیت درست را از دل این رویداد بزرگ بیاموزیم و به کار بندیم:

۱. دل‌بستگی به فرزند نه وابستگی

هرچند در آموزه‌های تربیتی اسلام، علاقه به فرزند و ابراز آن یک وظیفه اخلاقی شمرده شده است، با این وجود اگر این علاقه سبب دور شدن از انجام وظایف بندگی

شود، از آن نهی شده است. علاقه‌مندی انسان به فرزندان، مسئله‌ای طبیعی و غریزی است که از آن با عنوان دل‌بستگی به فرزند یاد می‌شود، ولی نباید این علاقه به بازماندن از قافله دین‌مداری و انجام تکالیف دینی بینجامد. در جریان ذبح اسماعیل توسط پدرش ابراهیم علیه السلام چنین دستوری دیده می‌شود که پدر، به این دلیل که ذبح فرزند، خواست خداوند و به فرمان اوست و خواست او بر هر چیزی مقدم است، اقدام به ذبح فرزند کرد.

۲. بایسته‌های علاقه به فرزندان

علاقه به فرزندان تا جایی پسندیده است که این علاقه مانع نشود والدین فرزندان خویش را به حال خود واگذارند و به انجام وظایف دینی سفارش نکنند. اگر پدر و مادر به دلیل دوستی فرزند خود، او را به انجام فرایض الهی و فضیلت‌های اخلاقی توصیه نکنند، به وظیفه خود عمل نکرده‌اند.

زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام با دستور خداوند روبه‌رو شد، آن را با فرزند خود در میان گذاشت و او نیز به اجرای دستور الهی رضایت داد و آماده اجرای دستور خداوند گردید. این مسئله را در گام‌های دیگر از زندگی این پدر و پسر نیز مشاهده می‌کنیم تا جایی که در گرمای

حجاز، با کمک یکدیگر خانه کعبه را بازسازی کردند و همکاری صمیمانه‌ای را به نمایش گذاشتند.

۳. خدامحوری و زندگی بهتر

خدامحوری سبب عبور از دشواری‌ها و بهره‌مند شدن از موقعیت‌هاست. آنگاه که پدر از معنویت الهی سرشار باشد، در اثربخشی بر شخصیت فرزند موفق‌تر است؛ چراکه بندگی خدا محبت و محبوب شدن را به ارمغان می‌آورد. این واقعیت را در ارتباط میان ابراهیم و فرزندش اسماعیل علیه السلام می‌بینیم که چگونه در پرتو بندگی خداوند به زندگی پاک دست یافتند و بر فرمان الهی سر نهادند.

۴. خودمهاری و آزمون الهی

یکی از شاخص‌ترین جنبه‌های شخصیتی حضرت ابراهیم علیه السلام، پایداری در برابر وسوسه‌های شیطان و خواست‌های عاطفی خویش بود. از نخستین زمان ابلاغ دستور تا آنگاه که به قصد قربانی فرزند چاقو کشید، همه لحظه‌ها آزمونی بزرگ و پرخطر بود که خاستگاه اولیه آن حضرت موفقیت در چیرگی بر وسوسه‌ها بود.

وجود ایمان به خدا و باور به دستورهای او، به‌رغم مخالف بودن آن با میل باطنی و عاطفه پدری، شاهکاری ماندگار در رفتارشناسی آن حضرت بود که هم او و هم این روز را در تاریخ زنده نگاه داشت است.

احکام: اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است بنا بر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید. (مسئله ۱۴۰۶ توضیح المسائل مراجع)

روز دوازدهم: اهمیت فروتنی در زندگی اجتماعی

از آن رو که انسان موجودی اجتماعی بوده و ناگزیر از زندگی با دیگران است، ناگزیر از رعایت سنن و آداب اجتماعی می‌باشد. بدیهی است که اگر همه در اجتماع، این آداب را رعایت کنند، زندگی اجتماعی، دلپذیر می‌شود و در صورت کوتاهی در این امر، زندگی تلخ و ملالت بار خواهد شد. از جمله این آداب و شرایط، ضرورت حرمت گذاری متقابل و تعامل توأم با فروتنی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اشاره به گوشه‌ای از آثار تواضع و نیز اشاره به پیامدهای خودخواهی فرمود: **كَمَا أَنَّ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ** کما ان اقرب الناس من الله المتكبرون.^۱

قرآن کریم که از «عباد الرحمن» به نیکی و بزرگی یاد کرده است، حدود دوازده ویژگی برای آنان برشمرده است که نخستین آنها را تواضع و فروتنی قرار داده و می‌فرماید:

﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...﴾ ﴿بندگان

[خاص] خداوند رحمن، کسانی‌اند که فروتنانه بر زمین

گام می‌نهند.^۲

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. فرقان (۲۵): ۶۳.

مرزهای فروتنی

فروتنی، هرچند امری پسندیده و فضیلتی بزرگ است و از فواید بسیار برخوردار است، ولی آن نیز مانند دیگر خصلت‌های اخلاقی، مرزهایی دارد که نباید از آن، فراتر رفت و اگر از حدود خود فراتر رود، نه تنها در آموزه‌های اسلامی، زیبا و پسندیده نیست که امری نازیبا و ناشایست است. موارد زیر از جمله مرزهای تواضع است که به اختصار یادآور می‌شویم.

۱. فروتنی نه فرومایگی

یکی از مرزهای تواضع، حدّ «ضِعّه» است. و آن در لغت به معنای پستی است،^۱ و در اصطلاح به این معناست که انسان، شخصیت خود را به صورت افراطی تا جایی که به پستی و حقارت بینجامد پایین آورد.^۲ همان‌طور که در اسلام، تکبر حرام است، ضعه نیز امری نارواست، زیرا ضعه، نوعی ذلّت و خواری است و در اسلام، خواری در حریم مؤمن راه ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: **إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ لِلْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ لَهُ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛** خداوند اختیار تمام امور مؤمن را به خود وی وانهاده است، ولی اجازه نداده است که او تن به خواری دهد.^۳

۱. نک: المنجد، ذیل ماده «وضع».

۲. نک: راغب اصفهانی، روش بزرگواری، ص ۲۷۹.

۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۹.

۲. فروتنی برای خدا نه برای دنیا

از جمله مواردی که فروتنی ارزش خود را از دست می‌دهد و امری ناپسند می‌شود، تواضع در مقابل حاکمان جور و ثروتمندان به طمع جاه و مال دنیا است. در این گونه موارد، نه تنها جای تواضع نیست که جای تکبر است؛ زیرا تکبر در مقابل آنان حاکی از نوعی عزت نفس است و عزت نفس امری پسندیده است.

اینکه قرآن در آیه **﴿لَا يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾**^۱ تکبر را به تکبر به حق و به غیر حق، تقسیم کرده است، نشان از آن است که هر تکبری، گناه نیست، بی گمان، تکبر در برابر حاکمان زورگو و ثروتمندان زراندوز، از نوع تکبر پسندیده است. از همین روست که امام علی علیه السلام تکبر فقیران در برابر ثروتمندان را زیبا معرفی کرده، می‌فرماید:

ما أحسن تواضع الأغنياء للفقراء طلباً لما عند الله وأحسن منه تيه الفقراء على الأغنياء اتكالاً على الله؛ چه نیکوست تواضع توانگران در برابر مستمندان برای دست آوردن چیزی که نزد خداست و نیکوتر از آن،

۱. اعراف (۷): ۱۴۶.

عزت و تکبر مستندان در برابر ثروتمندان برای توکل بر خداوند است.^۱

۳. منع تواضع در برابر متکبران

از جمله مواردی که نباید تواضع کرد، تواضع در برابر افراد کم ظرفیت است که تواضع دیگران را نشان از بزرگی خود می‌پندارند و به بلای فخر فروشی دچار می‌شوند. اینجاست که باید در برابر آنان تواضع را کنار گذاشت تا به این وسیله، هم عزت و کرامت خود را حفظ کرد و هم غرور و شخصیت خودپنداره آنان را در هم شکست. پیامبر اکرم ﷺ دلیلی روشن بر این مطلب است که فرمود:

اِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْ أُمَّتِي فَتَوَاضَعُوا لَهُمْ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَصِغَارٌ؛ آنگاه که به فروتنان از امت من رسیدید، برای آنان فروتنی کنید، و هرگاه به متکبران برخورد کردید بر آنان تکبر به خرج دهید؛ چراکه این، خواری و کوچکی برای آنان است.^۲

احکام: سلام کردن مستحب است و بسیار سفارش شده که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

^۱. فیض الاسلام، شرح و ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۲۷۷، حکمت ۳۹۸.

^۲. فیض کاشانی، المحججه البيضاء، ج ۶، ص ۲۲۲.

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند، بر هر يك واجب است جواب سلام دیگری را بدهد. (مسئله ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ توضیح المسائل مراجع)

روز سیزدهم برابر با ۱۶ مهر: روز جهانی کودک

پیش از ظهور اسلام، کودکان در وضعیت بدی به سر می‌بردند. اگر پدران می‌خواستند، آنها را نگه می‌داشتند و گر نه، برای رهایی از هزینه زندگی، آنها را می‌فروختند یا می‌کشتند. اسلام، با این عادت ناپسند مبارزه کرد و عالی‌ترین توجه را به کودک ابراز داشت و پدران را از کشتن فرزندان به خاطر ترس از کمبود هزینه منع کرد: ﴿لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾^۱

اسلام حتی برای ادب کردن فرزند نیز به والدین اجازه نداده است کودکان خود را کتک بزنند. امام کاظم علیه السلام در جواب مردی که نزد او از فرزندش شکایت کرد فرمود: **لَا تُضْرِبُهُ وَ أَهْجُرْ وَ لَا تُطِلْ**^۲؛ او را نزن، بلکه با او قهر کن البته نه قهر طولانی.

از آنجا که در جوامع بشری حقوق کودکان نادیده گرفته می‌شود، در سال ۱۹۴۶ میلادی پس از جنگ جهانی

^۱. انعام(۶): ۱۵۱.

^۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

دوم، انجمن عمومی سازمان ملل، به منظور حمایت از کودکان، مرکز یونیسف را ایجاد کرد و سپس در سال ۱۹۵۳ روز ۸ اکتبر را که مصادف با روز ۱۶ مهر است، به نام «روز جهانی کودک» نامگذاری کرد.

حقوق کودک در اسلام

به مناسبت روز جهانی کودک، ذکر چند حدیث مناسب است.

۱. انتخاب نام نیکو

عَنْ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى

است که فرمود: حَقُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ؛^۱ از رسول خدا فرزند بر پدر این است که نامی نیک برایش انتخاب کند.

۲. سوادآموزی

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى

وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ،^۲ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: حق فرزند بر پدرش این است که سواد نوشتن را به او بیاموزد.

۳. تربیت آموزی

۱. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۲.

۲. هندی متقی، کنز العمال، حدیث: ۴۵۳۴۰.

قال الصادق -عليه السلام- إنَّ خَيْرَ ما وَرَثَ الآباءُ لِأَبنائِهِم
الأَدَبُ لا المالُ؛^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین چیزی که پدران
برای فرزندان خود به ارث می گذارند ادب است نه ثروت.

۴. وفای به عهد

عن علی -عليه السلام- قال: لا یصلحُ ... أن یعدَّ أحدُکم
صبیّه ثمَّ لا یفی له؛^۲ امام علی علیه السلام فرمود: شایسته نیست فردی
از شما به کودک خود وعده دهد و به آن وفا نکند.

روز چهاردهم: بخشیدن فدک به حضرت زهرا علیها السلام

مناطقی که در صدر اسلام به غنیمت مسلمانان درمی آمد،
گاه با جنگ و نیروی نظامی و گاه با صلح و بدون خونریزی
بود. صورت نخست که در اصطلاح فقهی «مفتوح العنوه»
خوانده می شود، پس از دادن خمس سرزمین هایی که به
غنیمت گرفته شده بود، میان جهادگران که در معرکه جنگ
حضور داشتند تقسیم می شد. اما صورت دوم که در اصطلاح
فقهی «فیء» خوانده می شود، تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله اختیار آن را
داشت و دیگر مسلمانان در آن حقی نداشتند. قرآن در بیان
حکم این نوع سرزمین ها می فرماید:

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

۲. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۴۲.

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ...﴾ * مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى ﴿١﴾ آنچه را که خداوند از آنها (یهودیان) به رسولش باز گردانید، چیزی است که شما برای به دست آوردن آن نه اسبی تاختید و نه شتری.... آنچه را که خدا از آن قریه‌ها نصیب پیامبرش کرد، از آن خدا، پیامبر ﷺ و خویشاوندان اوست.

فدک که در نزدیکی «خیبر» به فاصله ۱۴۰ کیلومتر تا مدینه بود، از جمله سرزمین‌هایی است که با صلح به تصرف اسلام درآمد. از این رو، به حکم قرآن آن سرزمین ملک رسول خدا ﷺ محسوب می‌شود. طبری می‌گوید: و کانت فدک خالصة لرسول الله صلى الله عليه وآله - لآلهم لم يجلبوا عليها بخيلٍ ولا ركابٍ؛ فدک ملک خالص پیامبر خدا ﷺ بود؛ زیرا مسلمانان آن را با سواره نظام و پیاده نظام نگشودند.^۲

جلال الدین سیوطی مانند دیگر مفسران شیعه و سنی در تفسیر خود می‌نویسد: پس از نزول آیه ﴿وَأْتِ ذَاقُرْبَى حَقَّهُ﴾^۳ پیامبر اکرم ﷺ سرزمین فدک را به دخترش، فاطمه رضی الله عنها بخشید.^۴

۱. حشر (۵۹): ۶ و ۷.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳. اسراء (۱۷): ۲۶.

۴. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ذیل آیه ۱۶ سورة اسراء.

با این وجود که آیات قرآن، تکلیف سرزمین فدک را روشن کرده است، حکومت پس از رسول خدا ﷺ، برای بازپس‌گیری آن از دست حضرت زهرا علیها السلام دو ادعا مطرح کرد: نخست آنکه گفت: فدک صدقه است به این صورت که پیامبر اکرم ﷺ فدک را به کسی نبخشیده و آن را به عنوان صدقه جاریه در اختیار داشت. حکومت از این ادعا این نتیجه را گرفت که رسول خدا ﷺ بدون آنکه فدک را به دخترش بخشیده باشد، از محل درآمد آن، مبلغی را در اختیار دخترش و دیگر بنی‌هاشم قرار داد و مازاد آن را در راه خدا به مصرف می‌رساند.

اما این ادعا با چالش‌های زیادی روبه‌رو بود. نخست آنکه ظاهر از آیه هفتم سوره حشر که پیش‌تر گذشت، آشکار است که این سرزمین ملک پیامبر اکرم ﷺ بوده و هیچ‌کس در آن حقی ندارد. دوم آنکه روایت‌های شیعه و سنی بر این مطلب تصریح دارد که با نزول آیه ﴿وَأْتِ ذَاقِرَبِیْ حَقَّهُ﴾ پیامبر اکرم ﷺ سرزمین فدک را به دخترش، فاطمه بخشید.

ادعای دوم که حکومت مطرح کرد، حدیث نفی ارث پیامبران بود که ابوبکر به نقل از پیامبر ﷺ سرزبان‌ها انداخت و گفت: **إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِیَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ؛**

ما جماعت پیامبران از خود ارث باقی نمی‌گذاریم، هر چه از ما ماند، صدقه است.

این حدیث نیز که ادعایی بیش نبود اشکالاتی دارد. یکی از آن اشکال‌ها این است که تا آن زمان هیچ‌کس جز ابوبکر این حدیث را از پیامبر ﷺ نشنیده بود. بسیاری از محدثان نیز بر این نکته اتفاق نظر دارند که راوی این حدیث تنها ابوبکر بود و بس.

چالش دوم آنکه ناقل این سخن پیامبر ﷺ تنها ابوبکر بود، درحالی‌که در طرف مقابل، راجع به این مطلب که پیامبر ﷺ فدک را به دخترش بخشید، راویانی همچون حضرت فاطمه رضی الله عنها، امام علی رضی الله عنه و ام‌ایمن وجود داشتند. بدیهی است با توجه به فزونی شمار راویان در این سو و نیز شخصیت ممتاز آنها، باید قول آنها بر قول ابوبکر مقدم شود.

اشکال دیگری که ادعای ابوبکر با آن مواجه بود، این است که حدیث یاد شده با آن دست از آیات قرآن که در آن میراث انبیا مطرح شده است، منافات دارد. بدیهی است هیچ‌کس صحت این ادعا را در برابر آیات قرآن تأیید نمی‌کرد.

چهارمین اشکالی که ادعای خلیفه داشت این است که اگر این حدیث درست باشد که پیامبر ﷺ از خود هیچ‌گونه

ارثی نگذاشت، چرا در هنگام دفن امام حسن علیه السلام در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه ادعا کرد که حجره، ارث پیامبر صلی الله علیه و آله است و اختیار آن با من است؛ من اجازه نمی‌دهم جنازه حسن علیه السلام را در این حجره دفن کنید.

روز پانزدهم: ولادت امام هادی علیه السلام

امام علی النقی علیه السلام دهمین امام و دوازدهمین نور از انوار عصمت و طهارت، از پدرش امام جواد علیه السلام و مادری مغربی به نام سمانه، در روز پانزدهم ماه ذی‌الحجه سال ۲۱۲ ه.ق، در حوالی مدینه، چشم به دنیا گشود و با نور وجودش جهان را غرق در سرور کرد و لطف خدا از دریچه پر فیض وجودش جاری شد.

آن حضرت در سن کودکی، زمانی که تنها هشت سال از عمر شریفش می‌گذشت، با شهادت جانسوز پدر بزرگوارش امام جواد علیه السلام ردای امامت را به دوش گرفت و چون اجداد پاک و مطهرش به هدایت‌گری پرداخت. آن امام همام، هر چند در کودکی به امامت رسید، اما چشمه‌ای جوشان از دانایی و حکمت بود تا آنجا که علمش همواره مردم را به حیرت و تعجب واداشت.

امام هادی علیه السلام و رواج فرهنگ دعا و زیارت

آن حضرت در طول امامت خود که حدود ۳۳ سال به طول انجامید، کارهایی بزرگ همچون مبارزه با انحرافات فکری در جریان فتنه خلق قرآن، غلو و اعتقاد به الوهیت ائمه علیهم السلام، جبرگرایی، بدعت و مانند آن انجام داد. یکی از کارهای بزرگ آن امام، رواج دعا و زیارت بود.

دعا در میان امامان علیهم السلام جایگاهی والا داشته و از آنان دعاهای فراوانی نقل شده است. امام هادی علیه السلام از جمله این امامان است که دعا و زیارت در کارنامه عبادی و عرفانی خود دارد. او توانست با ادعیه و زیارت جامعه در تربیت شیعیان نقشی عمده ایفا کند. ادعیه و زیارت‌های آن حضرت غیر از راز و نیاز با خدا، به پاره‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز اشاره دارد؛ اشاره‌هایی که در حیات سیاسی شیعه بسیار مؤثر بوده و مفاهیم ویژه‌ای به جامعه تشیع القا کرده است. در این مجال، نکته‌هایی از ادعیه و زیارت را که از امام هادی علیه السلام رسیده است یادآور می‌شویم:

۱. ایجاد پیوند میان مردم و اهل بیت علیهم السلام

افزون بر صلوات‌های مکرر که در ادعیه و زیارت‌های امام هادی علیه السلام آمده است، به پیوند محکم میان امت و خاندان عصمت علیهم السلام تأکید فراوان شده است. این فراز، نمونه‌ای از این پیوند است که فرمود:

اللهم فصلْ على مُحَمَّدٍ و آلِهِ و لا تَقْطَعْ بَيْنِي و بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا و الآخِرَةِ و اجْعَلْ عَمَلِي بِهِمْ مُتَقَبَلًا؛ پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و ارتباط میان من و ایشان را در دنیا و آخرت قطع مفرما و اعمال مرا به خاطر ایشان بپذیر.^۱

۲. تأکید بر مقام ولایت و رهبری اهل بیت علیهم السلام

در زیارت جامعه مکرر بر مقام ولایت و رهبری اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است. امام هادی علیه السلام این باور را با تعبیری همچون: «قادة الأمم»، «ساسة العباد»، «أمناء الرحمان»، «ائمة الهدى»، «ورثة الانبياء»، «حجج الله على أهل الدنيا والآخرة» و مانند آن ادا کرده است.^۲

۳. تأکید بر مکتب اهل بیت علیهم السلام

امام هادی علیه السلام در بخشی دیگر از ادعیه و زیارت خود، به شیعیان آموخته است تا امامان خود را در جایگاهی رفیع بدانند و بر حقانیت راه آنان گواهی دهند، چنانکه در فرازی از زیارت جامعه فرمود:

و جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ و بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ و أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ و نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ و

۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجب، ص ۳۴۵.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.

سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ؛ شهادت می‌دهم که شما آن‌گونه که سزاوار بودید، جهاد کردید تا آنجا که دعوت خداوند را آشکار کردید، احکام الهی را روشن ساختید، حدود الهی را برپا داشتید، شریعت الهی را نشر داده و سنت‌های خداوندی را استوار ساختید.^۱

۴. مبارزه با ظلم و ستم

از آشکارترین مفاهیم شیعه، مبارزه با ستم است. این مطلب به روشنی در دعا‌های امامان و از جمله امام هادی علیه السلام به چشم می‌خورد؛ دعای «دعای المظلوم علی الظالم» از جمله این دعاهاست که آن حضرت هم خود، از خدا طلب پیروزی بر دشمن می‌کرد و هم، به شیعیان آموخته است که تا در قالب دعا، چیرگی ستم‌دیدگان بر ستمکاران را بخواهند و از خداوند علیه جباران زمان یاری جویند. این دعا به دنبال ستم و اهانتی که از طرف متوکل نسبت به آن حضرت انجام شد، از سوی آن امام انشا شد. آن حضرت در فرازی از این دعا فرمود:

اسئلك يا ناصرَ المَظْلومِ المَبغىٰ عليه إجابةً دعوتى،
فصلِّ على محمد و آلِ محمد و خذهُ مِن مَّأْمِنِهِ أَخَذَ عَزِيزٍ
مُقْتَدِرٍ، و أفجأهُ فى غفلته مُفاجئَةً مليكٍ مُنتصرٍ، و اسلبهُ

۱. نوری، حسین، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۹.

نعمته و سلطانه و أفضض عنه جموعه و أعوانه و مزق
مُلْكَه كلِّ مُمَزَّقٍ^۱

احکام: چه در نماز یا غیر نماز باید جواب سلام را فوری داد، و اگر از روی عمد یا فراموشی جواب سلام به تأخیر بیفتد به طوری که جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد نباید سلام را جواب دهد و اگر در نماز نباشد جواب دادن واجب نیست. نمازگزار جواب سلام را به قصد جواب (یا تحیت) گوید نه به قصد دعا (یا قرآن). اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده ولی نمازش درست است. (مسئله ۱۱۳۸ تا ۱۱۴۲ توضیح المسائل مراجع)

^۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳۸.

روز شانزدهم: نکاتی از زیارت جامعه کبیره

ضمن تبریک دوباره ولادت با سعادت امام هادی علیه السلام نکته‌هایی از زیارت جامعه کبیره تقدیم می‌کنیم؛ چراکه این زیارت شاهکاری بزرگ در عالم دعا و زیارت و حتی در زندگی امام هادی علیه السلام است:

۱. عدم تفکیک دین از سیاست

امامان نور، تنها رهبران دینی مردم نبودند، بلکه به زندگی سیاسی مردم نیز توجه داشتند. این همان است که امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه فرمود: **ساسة العباد.**

۲. حجت بودن در دنیا و آخرت

اهل بیت علیهم السلام، تنها در دنیا بر مردم حجت نیستند که در سرای دیگر نیز حجت می‌باشند: **و حُجِّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.**

۳. امن‌ترین راه رسیدن به خدا

مسلم است که راه‌های رسیدن به خداوند، بسیار زیاد است، اما امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه، راه اهل بیت علیهم السلام است: **مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ.**

۴. اهل بیت علیهم السلام، راه معرفت به خدا

شناخت و معرفت به خدا وظیفه‌ای دینی است، اما آیا شناخت خدا امکان‌پذیر است؟ اگر امکان‌پذیر است از چه راهی؟ امام هادی علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام را راه معرفت

به خدا معرفی کرده، می‌فرماید: **السَّلَامُ عَلٰی مَحَالٍّ**
مَعْرِفَةِ اللَّهِ.

۵. وسیله نجات

خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، ترازوی ایمان برای انسان‌ها هستند. هرکس ایشان را به عنوان نمایندگان الهی بپذیرد، نجات می‌یابد و هرکس از آنان، رو گرداند، هلاک می‌شود: **وَالْبَابُ الْمُبْتَلٰی بِهِ النَّاسُ مِنْ اَتِيكُمْ نَجٰی و مَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ هَلٰک.**

۶. معیاری برای دشمن شناسی

از وظایف سیاسی و اجتماعی یک مسلمان، دشمن شناسی است، اما اینکه با چه معیاری می‌توان دشمن را شناخت، از امام هادی علیه‌السلام می‌شنویم که معیار دشمن شناسی را اهل بیت علیهم‌السلام معرفی کرده، می‌فرماید:

و بَرِئْتُ اِلٰی اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - مِنْ اَعْدَائِكُمْ و مِنْ الْجِبْتِ و الطَّاغُوتِ و الشَّیَاطِیْنِ و حِزْبِهِمُ الظَّالِمِیْنَ لَكُمْ، و الْجَاحِدِیْنَ لِحَقِّكُمْ، و المَارْقِیْنَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، و الغَاصِبِیْنَ لِارْثِكُمْ، و الشَّاكِّیْنَ فِیْكُمْ، و المُنْحَرِفِیْنَ عَنْكُمْ، و مِنْ كُلِّ وِلِیْجَةٍ دُونَكُمْ.

۷. دلیل رحمت واسعة الهی

همان‌طور که در حدیث معراج از زبان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده و در احادیث قدسی نیز بیان شده، امام هادی علیه‌السلام در

زيارت جامعه كبريه، اهل بيت عليهم السلام را دليل خلقت و واسطه رحمت الهی دانسته است:

بُكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بُكُمْ يَخْتِمُ وَ بُكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بُكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بُكُمْ يُنْفِثُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ.

٨. وسيله نجات از گمراهی ها

اهل بيت عليهم السلام چراغی روشن برای هدایت مردم از گمراهی ها هستند. این خاندان، دوستان خود را در پرتگاه های بسیار خطرناک، دستگیری کرده و آنان را به شاهراه هدایت و روشنایی رهنمون می سازند: وَبُكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ.

٩. وسيله بخشش الهی

عفو و گذشت از گناه بندگان خدا در گرو رضایت اهل بيت عليهم السلام است. اگر این خاندان از کسی راضی شوند، خداوند نیز از او راضی خواهد بود: إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ -عَزَّوَجَلَّ- ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ.

١٠. برترین افراد و تنها شفیعان

از حقایقی که همه خدایان آن را باور دارند و به آن امید بسته‌اند، مسئله شفاعت است که تنها از بندگان خاص خدا ساخته است و بس. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه، اهل بیت علیهم السلام را برترین عباد و تنها شفیعان در روز قیامت معرفی کرده است و می‌فرماید: **اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي.**

مسئله ۱۱۳۷: در حال نماز، انسان نباید به

دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد و نباید بگوید: **عليك السلام**. (اغلب مراجع می‌گویند: همان‌طور که سلام دهنده، سلام داده است، جواب دهنده نیز مانند او جواب دهد بلا اشکال است)

توضیح اینکه در صورت تقدیم علیک، مستلزم زیاد شدن الف و لام در السلام است. جواب سلام‌دهنده در نماز نباید بیش از حروف سلام سلام‌دهنده باشد؛ چراکه زیادی موجب بطلان نماز است.

روز هفدهم: گذری بر آیه ولایت

از آنجا که با درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، نیاز امت اسلامی به شرح و تفسیر احکام دین پایان نمی‌پذیرد، مردم نیازمند سرپرستی همچون پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و هستند، اما همان‌گونه که

مردم نمی‌توانند فردی را به عنوان پیامبر برگزینند، حق ندارند فردی به عنوان جانشین پیامبر ﷺ انتخاب کنند؛ چراکه انتخاب جانشین آن حضرت نیز باید به دستور خدا باشد.

آیات زیادی در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. آیه ۵۵ سوره مائده، معروف به آیه ولایت از جمله این آیات است که فرمود:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست شما تنها
خداوند و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آورده و نماز
به پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

این آیه، ولایت پیامبر ﷺ را در راستای سرپرستی
خداوند قرار می‌دهد، و سپس به سرپرستی ایمان آورندگان
اشاره کرده، می‌فرماید: آنان نماز به پای می‌دارند و در حال
رکوع زکات می‌دهند.

به این دلیل که در هیچ‌جا نقل نشده است که شخصی
جز امام علی علیه السلام تا آن زمان در نماز صدقه داده باشد، آیه یاد
شده با یادآوری صفاتی، آشکارا مصداق (الَّذِينَ آمَنُوا) را
مشخص می‌کند.^۱

۱. نک: شیخ طوسی، *الاقتصاد*، ص ۱۳۲.

گذشته از مفسران و اندیشمندان شیعه، بزرگان اهل تسنن نیز مانند بلاذری در کتاب **انساب الأشراف**^۱ و ابن ابی حاتم در تفسیر خود^۲ اقرار کرده‌اند که این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است.

ممکن است اشکال شود، فردی همچون علی بن ابیطالب علیه السلام که در حال نماز، دل و جانش به یاد خداست چگونه ممکن است، سخن فقیر را شنیده باشد و در حال نماز به او کمک کرده باشد؟ در پاسخ باید گفت: اولاً: این اشکال با نمونه‌ای از رفتار خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل نقض است؛ چراکه آن حضرت در عین توجه به خدا در حال نماز، در مقابل کلام دیگران عکس‌العمل نشان داده است.

فردی که پشت سر آن حضرت نماز می‌گذارد، عطسه کرد و گفت: الحمد لله حمداً كثيراً طیباً مبارکاً فیه مبارکاً ... همین که نماز حضرت پایان یافت، روی برگرداند و فرمود: چه کس در نماز سخن گفت؟^۳

ثانیاً: آنچه در نماز نامناسب است دل دادن به کار دنیایی است، ولی توجه به کاری که در راستای توجه به خداست هیچ منافاتی ندارد. بی‌شک شنیدن ندای فقیر و

۱. أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، **أنساب الأشراف**، ص ۱۵۰.

۲. ابن ادریس رازی، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۴، ص ۱۱۶۲.

۳. سجستانی، سلیمان بن أشعث، **سنن أبی داود**، ج ۱، ص ۱۷۹.

کمک به او عین توجه به خدا است؛ چراکه دادن صدقه در حال نماز، عبادتی در ضمن عبادت دیگر است.^۱

و ثالثاً: ریشه این نوع اشکالها در حق‌گریزی است؛ زیرا این خرده‌گیرها اگر پیش از ایراد، به قرآن نگاه می‌کردند، می‌یافتند که قرآن نمازگزارانی را که در حال رکوع زکات می‌دهند، می‌ستاید. اگر این بر خلاف آداب نماز و حضور قلب است پس چرا خداوند آن را ستوده و ولایت مؤمنان را شایسته چنین شخصی دانسته است؟^۲

احکام: اگر صاحب‌خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان‌ها بگوید، اما اگر یکی از مهمان‌ها بفهمد لازم نیست به دیگر مهمانان خبر دهد. (مسئله ۱۴۵ توضیح المسائل مراجع)

دلیل بر تفاوت حکم در این مسئله این است که در صورت نخست اگر میزبان، مهمان را از نجس بودن غذا مطلع نکند صدق می‌کند که وی غذای نجس به خورد فرد مسلمان داده است که در شرع محل اشکال است ولی در صورت دوم خوراندن غذای نجس صدق نمی‌کند.

۱. نک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲۸.

۲. همو، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۱۲.

روز هجدهم: عید غدیر

روزهای پایان سال دهم هجرت بود و پیامبر اکرم ﷺ از آخرین سفر حج بازمی‌گشت، همین‌که حاجیان به برکه غدیر رسیدند، پیک وحی بر رسول خدا ﷺ نازل شد و پیام الهی را ابلاغ کرد و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی به رسالت الهی عمل نکرده‌ای.^۱

این‌جا بود که پیامبر ﷺ دستور داد تا همگان در آن بیابان سوزان، زیر آفتاب صحرا توقف کنند و منبری از جهاز شتران برای آن حضرت فراهم آورند. همین‌که همه گرد وجود او جمع شدند، بر فراز آن منبر رفت و روی به مردم کرد و فرمود: ای مردم! به زودی من از میان شما رخت بر خواهم بست و اینک از شما می‌پرسم: چه کسی در تصرف امور اهل ایمان سزاوارتر است؟ و آیا من به شما از خودتان اولی و سزاوارتر نیستم؟

آنگاه که از همگان اقرار گرفت، دست علی ﷺ را در دست گرفت و بالا برد و فرمود: خداوند مولای من و من مولای مؤمنانم. ای مردم! هرکس که من مولا و رهبر اویم، این علی مولا و رهبر اوست. آن را سه بار تکرار کرد و

چنین ادامه داد: پروردگارا، دوستان علی علیه السلام را دوست بدار و دشمنان او را خوار گردان.

اعمال روز غدیر

از آن رو که حادثه غدیر حادثه‌ای بزرگ و مبارک است، در بیان امامان علیهم السلام برای این روز بزرگ اعمالی وارد شده است که برخی عبارت‌اند از:

۱. تحکیم بیعت با ولایت

همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نصب امام علی علیه السلام به جانشینی خود، به جماعت مسلمانان دستور داد تا با او بیعت کنند، در سالروز آن حماسه جاوید، تجدید آن بیعت سفارش شده است. بنابراین زیارت امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام مستحب است. به همین منظور ادعیه زیادی در این روز وارد شده و همگان سفارش شده‌اند که آن ادعیه را بخوانند.

۲. اظهار سرور و شادمانی

راوی گوید: در روز هجدهم ذی‌الحجه با جمعی از شیعیان خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، امام فرمود: حَقًّا که روز غدیر، روز عید و روز شادی و سرور است.

۳. مصافحه کردن

مصافحه که از آداب اسلامی است، در روز عید غدیر، بر آن تأکید بسیار شده است. امام علی علیه السلام فرمود: در روز

عید غدیر در حالی که دست‌هایتان داخل یکدیگر است، این ذکر را به زبان آورید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ**^۱.

۴. پیمان برادری

از جمله برنامه‌هایی که در روز عید غدیر تأکید شده است، ایجاد اخوت و برادری میان برادران ایمانی است که به این صورت دو برادر ایمانی دست به دست هم دهند و یکی این صیغه را بخواند:

وَاخِيْتُكَ فِي اللَّهِ وَصَافِيْتُكَ فِي اللَّهِ وَصَافِحْتُكَ فِي اللَّهِ وَعَاهَدْتُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ وَالْأُمَّةَ الْمُعْصُومِينَ عَلَيْهِ عَلَيَّ أَنِّي إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالشَّفَاعَةِ وَأُذُنُ لِي بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَأَنْتَ مَعِي؛ با تو در راه خدا برادر می‌شوم، با تو در راه خدا راه صفا و صمیمیت در پیش می‌گیرم، با تو در راه خدا دست می‌دهم و با خدا، ملائکه، کتاب‌های خدا، فرستادگان و پیامبرانش و امامان معصوم علیهم‌السلام عهد می‌بندم که اگر از اهل بهشت و شفاعت باشم و اجازه یافتم که وارد بهشت شوم، داخل آن نشوم مگر آنکه تو بامن همراه شوی.

۱. سید بن طاووس، *اقبال الاعمال*، ج ۲، ص ۲۶۱.

برادر دیگر در مقابل می‌گوید: **قَبِلْتُ**. سپس برادر اول بگوید: **أَسْقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حَقُوقِ الْاِخْوَةِ مَاخِلَا الشَّفَاعَةِ وَ الدَّعَاءِ وَالزِّيَارَةِ؛** جز شفاعت، دعا، زیارت، همه حقوق برادری را از گردن تو برداشتم.^۱

۵. احسان و انفاق

احسان و انفاق که از دستورهای ویژه اسلام است. در روز عید غدیر بر آن تأکید بیشتر شده است. از این‌رو، در سیره امامان علیهم‌السلام آمده است که آنان در این‌روز، مهمانی می‌دادند.

۶. صلۀ رحم

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: از کارهای مستحب در روز عید غدیر، صلۀ رحم است.

۷. رفع حاجت مؤمنان

امام علی علیه‌السلام فرمود: کسی که مؤمنان را در روز غدیر تکفل کند من در نزد خدای متعال عاقبت به خیری او را ضمانت می‌کنم.

احکام: خریدن چیزی که از قمار، دزدی یا از معامله باطل تهیه شده، باطل و تصرف در آن مال حرام است و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب اصلی‌اش برگرداند. (مسئله ۲۰۷۰ توضیح المسائل مراجع)

۱. نک: قمی، عباس **مفاتیح الجنان**، اعمال روز عید غدیر.

روز نوزدهم: میانه‌روی در مصرف

اعتدال و میانه‌روی در هر کاری، اصلی بایسته است و هرکس این اصل را سرلوحه کار خود قرار دهد، از هر نوع انحراف به چپ و راست مصون می‌ماند و با دوری از کندروی و تندروی، در مسیر حق و حقیقت قدم برمی‌دارد:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالْجَادَةُ الْوَسْطَى هِيَ الطَّرِيقَةُ الْحُسْنَى.

به دلیل اهمیتی که این اصل دارد، شریعت اسلام در همه عرصه‌های زندگی، به رعایت این اصل پای فشرده است. یکی از این موارد عرصه مصرف است. اهمیت این اصل تا آن‌جاست که حتی صرف مال در راه خدا و انفاق نیز می‌باید در حد میانه و به‌دور از هرگونه افراط و تفریط باشد، قرآن در بیان وصف عبادالرحمن می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری بلکه در میان این دو حد اعتدال دارند.^۱

در اهمیت این اصل همین بس که شریعت اسلام آن را از ویژگی‌های امت اسلامی دانسته، می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ و ما این

^۱. فرقان(۲۵): ۶۷.

چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا گواهانی بر اعمال دیگر مردمان باشید.^۱

از آن رو که موضوع میانه‌روی در مصرف موضوعی فراگیر و گسترده است و به موردی خاص اختصاص ندارد، آثار و فواید آن نیز تنها به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه آثار آن در همه عرصه‌های فرهنگی، معنوی، سیاسی، زندگی فردی و اجتماعی و حتی آثار اخروی این موضوع به چشم می‌خورد. اما به این دلیل که نه این مقال گنجایش تبیین تمام آن آثار را دارد و نه این مجال فرصت آن را، ناگزیر از گزیدگی و گزیده‌گویی است. از این رو تنها دو مورد از آثار اعتدال در مصرف را بیان می‌کنیم.

۱. اعتدال در مصرف و برخورداری از برکت الهی

عدم رعایت الگوی مصرف عملی مخالف تقوا و دستور خداست و موجب می‌شود برکت از زندگی انسان رخت بربندد. امام صادق علیه السلام فرمود: **إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبِرِّ**؛ همانا اسراف همراه با کاهش برکت است.^۲ اما اگر کسی به جای اسراف، میانه‌روی در مصرف در پیش گیرد، نه تنها از هدر رفتن ثروت جلوگیری می‌شود، بلکه از

^۱ بقره (۲): ۱۴۳.

^۲ کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۵۵.

برکتی مضاعف برخوردار خواهد شد. این واقعیت را از زبان امام کاظم علیه السلام بشنویم که فرمود: **مَنْ اقْتَصَدَ وَقَنَّعَ بَقِيَّتِ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ وَ مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ؛** کسی که میانه روی و قناعت ورزد، نعمتش باقی می ماند و آنکه تبذیر و اسراف کند، نعمتش زوال می پذیرد.^۱

۲. میانه روی و مصونیت از ورشکستگی

از آنجا که ثروت از مایه زندگی است، خرد مدیریتی و اقتصادی ایجاب می کند که از هر راه ممکن، این مایه حیات حفظ شود. از جمله این راهها رعایت الگوی مصرف است، امام علی علیه السلام فرمود: **مَنْ صَحِبَ الإِقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبَةُ الْغِنَى لَهُ؛** آن که با میانه روی دمساز شود، بی نیازی همدم او خواهد شد.^۲

همچنانکه میانه روی بی نیازی را به ارمغان می آورد، مصرف نادرست نیز فقر و تهی دستی را به دنبال دارد؛ چراکه مصرف نادرست نوعی چپاول است و چپاول در اندک زمانی سرمایه را به هدر می دهد و آدمی را به خاک فقر و ناداری می نشاند.

^۱. ابن شعبه، *تحف العقول*، ص ۴۰۳.

^۲. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ص ۵۴.

امام علی علیه السلام در هشدار به ولخرجی‌ها، نخست به زبانی مانند فقر و ناداری اشاره کرده، می‌فرماید: **سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ**^۱ و سپس پیامد زیانبارتر دیگری به نام ورشکستگی را برشمرده و می‌فرماید: **مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبْدِيرِ احْتَقَرَ بِالإِفْلَاسِ**؛ هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، با ورشکستگی تحقیر خواهد شد.

احکام: در وضو، شستن صورت و دست‌ها مرتبه نخست واجب، مرتبه دوم جایز (برخی: مستحب) و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است. و اگر با **يَك** مشت آب، تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد **يَك** مرتبه حساب می‌شود. (مسئله ۲۴۸ توضیح المسائل مراجع)

روز بیستم: خود کفایی و استقلال اقتصادی

یکی از مشکلات کنونی بشر ابتلا به اسراف و تبذیر است. بدیهی است که اگر این بیماری درمان نشود مشکلاتی فراوان و دردهایی رنج‌آور در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و معنوی بروز خواهد کرد.

به دلیل وجود همین مشکلات است که قرآن کریم تندروری در مصرف را یکی از نکوهیده‌ترین کارها دانسته و آن را عملی فرعون‌ی معرفی کرده است: ﴿وَأِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

فی الأرضِ و إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱﴾ فرعون در زمین برتری جست و او از اسرافکاران بود.^۱

قرآن در جای دیگر اسرافکاران را برادران شیطان معرفی کرده، می‌فرماید: ﴿و لا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا، إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾^۲ بدیهی است کسی که برادر شیطان محسوب شود به آتش دوزخ گرفتار خواهد شد؛ و نیز فرمود: ﴿إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾^۳

خودکفایی و استقلال اقتصادی از آثار برجسته‌الگوی مصرف صحیح است که در صورت رعایت آن، نصیب جامعه می‌شود. در داشتن جامعه‌ای مستقل و غیر وابسته، از قرآن کریم بیاموزیم که می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾^۴؛ این، توصیفشان در تورات و در انجیل است که همانند زراعت جوانه‌های خود را خارج می‌سازد و سپس آن را تقویت می‌کند تا محکم شود و بر پای خود

۱. یونس (۱۰): ۸۳.

۲. اسراء (۱۷): ۲۶-۲۷.

۳. غافر (۴۰): ۴۳.

۴. فتح (۴۸): ۲۹.

بایستد. به قدری رشد می‌کند که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد. این برای به خشم آوردن کافران است.

مفاد این آیه به ضرورت اقتدار مسلمانان و شکوه جامعه اسلامی تأکید دارد، به گونه‌ای که دشمنان، تاب تحمل آن را نداشته باشند. این خواست قرآن می‌طلبد که جامعه اسلامی از هر جهت، از جمله قدرت اقتصادی، توان بالایی داشته باشد؛ زیرا در صورت عدم خودکفایی و وابستگی اقتصادی، نه تنها خشم قدرت‌های بزرگ را بر نمی‌انگیزد که آنان را خرسند نیز می‌کند.

احکام: اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتز از همان جنس بفروشند، مثلاً يك من گندم را به يك من و نیم گندم بفروشند، ربا و حرام است. (مسئله ۲۰۷۲ توضیح المسائل مراجع)

بر پایه این مسئله، حکم تعویض خاک قند به قند یا آب‌نبات، تعویض طلای مستعمل به طلای نو و نیز تعویض برنج کپینی به غیر آن توضیح داده شود که سخت مورد ابتلاست.

روز بیست و یکم برابر با ۲۴ مهر: روز جهانی غذا
به دلیل فقر، سوء تغذیه، تغییر کاربری اراضی کشاورزی به غیر آن و دیگر مشکلاتی که در حوزه کشت و تولید و توزیع مواد خوراکی در جهان وجود داشت، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ پیشنهاد کرد شانزدهم اکتبر هر سال برابر با ۲۴ مهر، به عنوان روز جهانی غذا

انتخاب شود. برخی هدف‌های این سازمان، برای نام‌گذاری روزی به عنوان روز جهانی غذا، عبارت‌اند از:

۱. تشویق و تحریک ملت‌ها، سران دولت‌ها، مراکز بین‌المللی و نهادهای غیر دولتی به افزایش تولید محصولات کشاورزی برای پایان دادن به موضوع دردآور گرسنگی در جهان.

۲. تشویق به برقراری ارتباط کشورهای در حال توسعه برای همکاری‌های اقتصادی و کشاورزی و حمایت فنی متقابل برای افزایش محصولات مواد غذایی.

۳. افزایش آگاهی عمومی ملت‌ها و توجه دادن به مسئله گرسنگی در جهان.

۴. تشویق کشورهای بزرگ برای انتقال تکنولوژی در امر غذا به دیگر کشورها.

۵. بالا بردن همت و مسئولیت بین‌المللی برای جنگ علیه گرسنگی، سوء تغذیه، فقر، و جلب توجه به تولید و توسعه کشاورزی پایدار.

بحث را با روایتی کوتاه از امام رضا علیه السلام پایان می‌دهیم که نان را مانند آب مایه زندگی معرفی کرده، می‌فرماید:

الماء طعمُ الحياةِ، و طعمُ الخبزِ طعمُ العیشِ؛^۱ مزه آب، مزه زندگی و مزه نان مزه زیستن است.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۶۳.

احکام: چند چیز در غذا خوردن مکروه است: ۱- خوردن با حال سیری. ۲- پر خوری. ۳- نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن. ۴- خوردن غذای داغ. ۵- فوت کردن به غذای داغ. ۶- بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر ماندن. ۷- پاره کردن نان با چاقو. ۸- گذاشتن نان زیر ظرف غذا. ۹- دور انداختن میوه پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد. (مسئله ۲۶۳۷ توضیح السائل مراجع)

روز بیست و دوم: سفارش‌های اسلام در امر غذا

در ادامهٔ مباحث پیشین به مناسبت روز جهانی غذا، نکاتی را یادآور شدیم، در این جلسه به برخی از سفارش‌های اسلام راجع به موضوع غذا اشاره می‌کنیم.

دین اسلام که دین کامل است، مانند هر موضوعی دیگر دربارهٔ غذا دستورهایی کارآمد ارائه کرده است. تشویق به کشت و تولید مواد غذایی، اختصاص یک‌دهم برخی محصولات غذایی در قالب زکات به نیازمندان، سفارش به پاسداشت حرمت گندم و نان، سفارش اکید به میانه‌روی در مصرف مواد خوراکی و بیان زشتی اسراف در این امر و مانند آن، از زمره توصیه‌های اسلام به امر حیاتی غذاست.

یکی از دستورهای سازندهٔ اسلام در امر غذا، توجه به وعده‌های غذاست که باید از سوی پیروان اسلام

مورد توجه و عنایت قرار بگیرد. با بررسی روایت‌های گوناگون و همچنین آیه: ﴿وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾^۱ که دربارهٔ بهشتیان آمده است، این گونه استنباط می‌شود که در اسلام صبحانه و شام از وعده‌های اصلی غذاست. امام صادق علیه السلام در اشاره به این دو وعده می‌فرماید: **تَعَدَّ وَ تَعَشَّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا فَإِنَّ فِيهِ فُسَادَ الْبَدَنِ**^۲؛ صبحانه و شام بخور و میان آنها چیزی نخور که مایهٔ تباهی بدن است.

به دلیل اهمیت صبحانه و شام در سلامتی انسان، در آموزه‌های اسلامی به خوردن این دو وعده سفارش شده است، با این تفاوت که صبحانه به طور کامل و شام مختصر خورده شود. امام صادق علیه السلام در این باره که باید صبحانه صرف شود، فرمود: **يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَطْعَمَ**^۳؛ برای فرد مؤمن شایسته است تا غذا نخورد از خانه‌اش بیرون نرود.

امام رضا علیه السلام در اشاره به خوردن شام سبک فرمود: **مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ صَالِحًا خَفِيفَ الْجِسْمِ وَاللَّحْمِ، فَلْيُقَلِّلْ مِنْ عَشَائِهِ**

۱. «و آنان، صبحگاهان و شامگاهان روزی ویژه خویش را

دارند» مریم (۱۹): ۶۲.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۷۷.

۳. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۶، ص ۳۴۱.

باللیل^۱؛ کسی که می‌خواهد همیشه سرحال و با نشاط باشد تا می‌تواند از شام خود بکاهد و شب‌ها سبک بار به خواب رود. آن حضرت در تأکید بر خوردن شام در جای دیگر فرمود: **لا يَدْعَنُ أَحَدُكُمْ الْعِشَاءَ وَلَوْ بِلُقْمَةٍ مِنْ خُبْزٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ**^۲؛ هیچ یک از شما شام را وانهد، هرچند که لقمه‌ای نان یا جرعه‌ای آب باشد.

احکام: در آشامیدن آب چند چیز مستحب است: ۱- آب را به طور مکیدن بیاشامد. ۲- پیش از آشامیدن آب، بسم‌الله و پس از آن الحمد لله بگوید. ۳- به سه نفس آب بیاشامد. ۴- از روی میل آب بیاشامد. ۵- پس از آشامیدن آب، حضرت اباعبدالله علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید. (مسئله ۲۶۳۸ توضیح المسائل مراجع)

روز بیست و سوم برابر با ۲۶ مهر: روز تربیت

بدنی

حفظ سلامتی بدن امری بایسته است. از این‌رو، هر کاری که سلامتی بدن را تهدید می‌کند حرام است، همان‌طور که هر عملی که به حفظ سلامتی می‌انجامد واجب است. آن‌گونه که متخصصان فن می‌گویند، ورزش

۱. نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۶، ص ۴۵۸.

۲. کلینی، **الکافی**، ج ۶، ص ۲۸۹.

از جمله اموری است که به سلامتی انسان می‌انجامد. از این‌رو، شایسته است ورزش روزانه در دستور کار قرار گیرد و برای کسانی که تحرک کمتری دارند امری بایسته است.

ضرورت ورزش موجب شد همه ساله از بیست و ششم مهرماه تا دوم آبان، به منظور آشنایی جامعه با ضرورت و آثار ورزش در زندگی فردی و اجتماعی، اشاعه و توسعه و ترویج ورزش در خانه و خانواده و ارشاد جامعه به ورزش‌های همگانی، جشن‌های هفته ورزش برگزار می‌شود.

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت مقوله تربیت بدنی و ورزش در زندگی روزمره مردم، بر لزوم گسترش آن بین آحاد مردم تأکید کرده است، به گونه‌ای که برای گسترش ورزش، تشکیلاتی شامل سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و هیأت ورزشی، تربیت بدنی وزارتخانه‌ها شکل گرفته‌اند. پیامبر خدا ﷺ در اشاره به این مطلب که ورزش برای حفظ سلامتی لازم است فرمود: **أَلْهَوَا وِ الْعَبْوِ، فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةٌ**^۱ به سرگرمی و بازی پردازید؛ زیرا دوست ندارم که در دین شما سختگیری دیده شود.

۱. سیوطی، جلال الدین، *الجامع الصغير*، ج ۱، ص ۴۹۲.

آن حضرت در جای دیگر فرمود: **المؤمن القوی خیرٌ و أحبُّ إلى الله من المؤمن الضعیف**؛^۱ مؤمن نیرومند نزد خدا بهتر و محبوب‌تر از مؤمن ناتوان است.

سفارش اسلام به انجام برخی ورزش‌ها مانند تیراندازی،^۲ اسب سواری،^۳ شنا،^۴ پیاده‌روی^۵ و کشتی^۶ نشان از تأکید اسلام به امر ورزش برای حفظ سلامتی است.

احکام: هرچه برای انسان مانند پرخوری، گرفتن رژیْم غیر استاندارد، بی‌نظم‌خوری، پرخوابی یا کم‌خوابی، شراب‌خوری و مانند آن ضرر داشته باشد حرام است.

روز بیست و چهارم: روز مباحله

مباحله که حاکی از گفت‌وگو میان پیامبر اکرم ﷺ و نمایندگان نجران و رضایت آنان به نفرین علیه یکدیگر است، در روز ۲۴ ذی‌حجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد. مسیحیان نجران، پس از گفت‌وگو با پیامبر ﷺ، و قبول نکردن استدلال‌های اقناعی ایشان به آن حضرت گفتند: راه این است که در وقتی معین با یکدیگر مباحله کنیم و از خدا

۱. متقی‌الهندی، *کنز العمال*، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲. نک: همان، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

۳. نک: حرم عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۹، ص ۲۲۵.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۷.

۵. شیخ صدوق، *الخصال*، ص ۴۴۳.

۶. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۳، ص ۱۸۹.

بخواهیم تا دروغگو را هلاک کند. در این هنگام بود که پیک وحی نازل گردید و این آیه را بر آن حضرت خواند:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ هر که پس از رسیدن به علم با تو محاجه کند، بگو بیاید فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را فرا خوانیم، آنگاه مباحله کنیم و لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.^۱

نجرانیان طبق وعده در نقطه‌ای خارج از مدینه حضور به هم رساندند، آنان پیش از آنکه با پیامبر اکرم ﷺ روبرو شوند، به یکدیگر می‌گفتند: هرگاه دیدید محمد ﷺ، مردم و سپاه خود را به جایگاه مباحله آورد و بخواهد شکوه مادی و قدرت ظاهری خود را به رخ ما بکشد بدانید که او فردی دروغ‌گوست، ولی اگر با فرزندان خود به محل مباحله بیاید و با وضعی وارسته از هر نوع جلال و جبروت مادی رو به درگاه الهی گذارد، پیداست که پیامبری راستگوست و به قدری به خود ایمان و اعتقاد دارد که نه تنها حاضر است خود را در معرض نابودی قرار دهد، بلکه حاضر است عزیزترین و

گرامی‌ترین افراد خود را در معرض فنا و نابودی قرار دهد.

آنان در این گفت‌وگو بودند که ناگهان، چهره نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه دخترش، فاطمه علیها السلام، دامادش، علی علیه السلام و دو فرزندش، حسن و حسین علیهما السلام نمایان شد، همگی با بهت و حیرت به چهره یکدیگر نگاه کردند و از مباحله با آن حضرت خودداری کردند.

این‌جا بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عذاب، سایه شوم خود را بر سر نمایندگان مردم نجران گسترده بود و اگر از در ملاءنه و مباحله وارد می‌شدند، در آتشی که در بیابان برافروخته می‌شد، می‌سوختند و دامنه عذاب به سرزمین «نجران» نیز کشیده می‌شد.

احکام: اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است. (مسئله ۱۱۰ توضیح المسائل مراجع)

روز بیست و پنجم: روز خانواده

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی به منظور ارج نهادن به مقام بازنشستگان، ۲۵ ذی الحجه را به عنوان «روز خانواده و تکریم بازنشستگان» تعیین کرد.

بر اساس این تصمیم، این روز از سال ۱۳۸۶ در تقویم رسمی کشور درج گردید. سبب انتخاب این‌روز از سوی

روابط عمومی سازمان بازنشستگی کشوری، شأن نزول آیه «انسان» است که راجع به خانواده و استحکام پایه‌های آن عنوان شده است.

ضرورت تشکیل خانواده در سبک زندگی اسلامی

از آنجا که مکتب اسلام دینی واقع بین و واقع نگر است، واقعیت‌ها و عینیت‌های زندگی انسان را از نظر دور نداشته و برای تحقق هر یک از این واقعیت‌ها برنامه‌هایی متناسب با طبیعت و نیاز انسان ارائه کرده است. پیوند زناشویی از جمله این واقعیت‌های انکار ناپذیر است که در نظام اجتماعی اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از آن پی ریزی نشده است: **ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ التَّرْوِيجِ**^۱.

پاسخ منطقی امام محمدباقر علیه السلام به کسی که تن به ازدواج نداده بود، گواهی روشن بر ضرورت تشکیل خانواده از نظر اسلام است. علامه مجلسی در نقل این جریان می‌گوید:

إِنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ أَبَا جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَقَالَتْ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي مُتَبَتِّلَةٌ فَقَالَ لَهَا: وَ مَا التَّبْتُلُ عِنْدَكَ؟ قَالَتْ: لَا أُرِيدُ التَّرْوِيجَ أَبَدًا، قَالَ: وَ لِمَ؟ قَالَتْ: أَلْتَمِسُ فِي ذَلِكَ الْفَضْلَ، فَقَالَ:

۱. شیخ صدوق، *الهدایة فی الاصول و الفروع*، ص ۲۵۷.

إِنصِرْفِي فُلُو كَان فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةُ -عَلَيْهَا السَّلَامُ-
 أَحَقُّ بِهِ مِنْكَ؛^۱ زنی از امام باقر علیه السلام پرسید: خدا کارت را
 سامان بخشد، من خانمی «متبتله» هستم، امام فرمود:
 منظورتان از تبتل چیست؟ او جواب داد به این معناست که
 هرگز ازدواج نخواهم کرد، امام پرسید: چرا؟ او گفت:
 می‌خواهم با این کار فضیلت و منزلتی به دست آورم، امام
 فرمود: از این تصمیم بازگرد، اگر بی همسری فضیلت بود،
 فاطمه علیها السلام به آن شایسته‌تر از تو بود.

تمایل طبیعی زن و مرد به یکدیگر این امکان را به آنها
 می‌دهد که در پرتو پیوند زناشویی، آثار و فواید بسیار به
 دست آورند. حفظ ایمان از جمله این آثار است؛ چراکه امر
 ازدواج از چنان قداستی برخوردار است که انجام و ترک
 آن در ایمان انسان تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد. این سخن
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ
 دِينِهِ.^۲ همان‌طور که آن حضرت در اشاره به پیامد ترک
 ازدواج فرمود: النِّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ
 مِنِّي؛^۳ ازدواج سنت من است، هرکس از آن سرباز زند از
 من نیست.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۱۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲.

امر مقدس ازدواج نه تنها بر ایمان بلکه بر رفتار عبادی انسان نیز اثر می‌گذارد. امام محمد باقر علیه السلام در اشاره به تأثیر پیوند زناشویی بر نماز متأهل و عزب فرمود: **الرکعتان یصلیهما رجلٌ متزوجٌ افضلٌ من رجلٍ عزبٍ یقومُ لیلَه و یصومُ نهارَه**؛^۱ دو رکعت نمازی که مرد معیل آن را به جای آورد، از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند بهتر است.

احکام: در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم، باید صیغه مخصوص خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست. صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند. وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود.

(مسئله ۲۳۶۳ توضیح المسائل مراجع)

۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷.

بیست و ششم: آثار و برکات ازدواج

در ادامه بحث گذشته آثاری از امر مقدس ازدواج را

بیان می‌کنیم:

۱. آرامش روح و روان

آرامش روح و روان که درمی‌گرانبها برای انسان به شمار می‌آید، از راه ازدواج قابل دسترسی است. خدا در قرآن خطاب به فرزندان آدم می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾^۱ او خدایی است که شما را از نفسی واحد آفرید و همسرش را از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.

آرامش بخشی ازدواج به این دلیل است که هریک از مرد و زن بدون دیگری ناقص است و چون هر ناقصی شوق به کمال دارد و هر نیازمندی میل طبیعی برای رفع نیاز دارد، هر کدام به صورت طبیعی میل به دیگری دارد تا آنگاه که به هم برسند آرامش یابند.^۲

۱. اعراف (۷): ۱۸۹.

۲. نک: طباطبائی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. ایجاد نسل صالح و تداوم خلیفه‌اللهی در زمین

از جمله آثار تشکیل خانواده، ایجاد نسل صالح و بقای آن است. پیامبر رحمت ﷺ در اشاره به این واقعیت فرمود: **مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنُ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تَنْقَلُ الْأَرْضَ بِهَا إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ؛**^۱ چه چیز مؤمن را از انتخاب همسر باز می‌دارد؟ شاید که خداوند فرزندی به او ببخشد که زمین را با شعار لا اله الا الله پرگهر کند.

امام صادق علیه السلام نیاز جنسی را عاملی برای بقای حیات دانسته، می‌فرماید: خداوند محرکی‌هایی در سازمان روانی انسان قرار داده که انسان را به انجام آنها و بر آوردن نیاز مربوط به خود مجبور کرده است. آن حضرت خطاب به مفضل می‌فرماید: در کردار انسان از خوراک و خواب و همبستر شدن و آنچه در آنها تدبیر شده، تفکر کن که خداوند برای هریک از آنها محرکی از داخل آفرید تا آدمی را به سوی آن تحریک کند: ...
وَالشَّبَقُ يُقْتَضَى الْجَمَاعَ الَّذِي فِيهِ دَوَامُ النَّسْلِ وَ بَقَائِهِ؛^۲

۱. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۴، ص ۳.

۲. ابن عمر جعفی، *مفضل، التوحید*، ص ۳۶.

شعله‌ور شدن آتش شهوت، آمیزش را می‌طلبد که به تداوم نسل و بقای آن می‌انجامد.

۳. بهداشت روانی

وجود غریزه جنسی در انسان واقعیتی غیر قابل انکار است که اگر تعدیل نشود و از راه معقول و مشروع ارضا نشود طغیان می‌کند و آدمی را به بیراهه می‌کشاند. ازدواج تنها راه درست و معقول است که می‌تواند این نیروی سرکش را رام کند.

آنگاه که غریزه جنسی انسان بیدار شود و او ازدواج نکند از دو حال بیرون نیست یا در دام شهوت گرفتار می‌شود و به منجلاّب گناه سقوط می‌کند، یا هرچند بتواند از سرکشی این نیرو جلوگیری کند، ولی ممکن است انسان در ارضای آن به وهم و خیال پناه ببرد که آن نیز پیامدهایی زیانبار دارد. امام صادق علیه السلام در تصویر این بیماری به نقل از حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

حضرت موسی علیه السلام به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم راجع به آن فکر نکنید تا چه رسد که زنا کنید؛ زیرا هر که زنا را حدیث نفس کند مانند کسی خواهد بود که در خانه‌ای تزیین شده دود ایجاد کند

که هرچند خانه را به آتش نمی‌کشد ولی تزینات آن را از بین می‌برد.^۱

۴. برخورداری از برکت‌های الهی

ممکن است برخی افراد که تن به ازدواج نمی‌دهند، ناداری را مطرح کنند؛ ولی قرآن کریم به روشنی این تفکر را پنداری نادرست دانسته است و ازدواج را عاملی برای توسعه روزی معرفی کرده، می‌فرماید:

﴿وَانكِحُوا الْاَيَامِي مِنْكُمْ وَالصّٰلِحِيْنَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ
 اَنْ يَكُونُوْا فُقَرَاءُ يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲ مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان درستکار و کنیزان خود را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند.

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه می‌فرماید: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيْجَ
 مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ اَسَاءَ الظَّنَّ بِاللّٰهِ؛^۳ کسی که برای ترس از فقر ازدواج نکند به خداوند بد گمان شده است.

احکام: زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر (اراکی: چه مشرک و چه اهل کتاب) درآید، مرد مسلمان نیز نمی‌تواند با زن‌های کافر به طور دائم ازدواج

۱. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفیه البحار، ج ۴، ص ۳۲۵.

۲. نور (۲۴): ۳۲

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵.

کند(برخی: احتیاط در ترک آن است)، ولی صیغه کردن زن‌های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد. (مسئله ۲۳۹۷ توضیح المسائل مراجع)

روز بیست و هفتم: رابطه عفاف و حجاب

درهم‌تندگی عفاف و حجاب آن‌قدر زیاد است که بدون یکدیگر معنای خود را از دست می‌دهند؛ چراکه حجاب بدون عفاف صدفی است بدون مروارید؛ همان‌طور که عفاف بدون حجاب مروارید بدون جلد است که هر لحظه ممکن است طعمه دیگر موجودات شود.

به نظر می‌رسد که عامل اصلی گرایش انسان‌ها به ویژه زنان به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیاست. این تنها انسان است که دست‌کم شرمگاه خود را می‌پوشاند و حتی در میان قبایل غارنشین نیز قبیله‌ای یافت نشده است که شرمگاه خود را نپوشاند.^۱ رعایت حجاب آثاری بسیار دارد که برخی عبارت‌اند از:

۱. حفظ آرامش

گذشته از اینکه با رعایت حجاب، عفت جامعه حفظ می‌شود، خود زن نیز امنیت می‌یابد و مورد اذیت و آزار

^۱ نک: حدادعادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی

دیگران قرار نمی‌گیرد. این دستور خداست که پس از امر به درست پوشیدن لباس، فرمود: **ذَلِكْ اُدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَآ يُؤَدِّينَ**؛ این کار برای این است که زنان به عفت شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند.

۲. حجاب و تزکیه نفس

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید. حکم حجاب اسلامی، عاملی برای دستیابی به تزکیه نفس است، چنانکه فرمود: **﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یُعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكْ اَزْکٰى لَهُمْ﴾**^۱ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است.

گذشته از تزکیه نفس، حفظ ایمان، امنیت یافتن و مانند آن، حجاب آثار و فوایدی بسیار دارد که به صورت فهرست‌وار برخی دیگر را یادآور می‌شویم:

- * جلوگیری از تحریک جنسی و خنثی کردن لذایذ نفسانی.
- * کاهش مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی.
- * حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی.
- * حضور معنوی‌گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی.

- * حفظ ارزش‌ها مانند عفت، حیا و متانت در جامعه.
 - * سلامت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی.
 - * هدایت و بهره‌مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی.
 - * مبارزه با تهاجم بی‌امان فرهنگ غربی.
 - * از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار.
- احکام:** زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست. (مسئله ۷۸۹ توضیح المسائل مراجع)

ضمیمه ۱

پیشینه اقتصاد مقاومتی

هرچند طرح اقتصاد مقاومتی طرحی جدید بوده و در چند سال اخیر، به ویژه سال ۱۳۹۱ به بعد مطرح شده است، ولی اگر به سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز به گذشته انقلاب و سیره امام راحل مراجعه کنیم، خواهیم دید که این طرح با تعبیری متعدد و متفاوت بیان شده است. از این‌رو، مروری بر پیشینه این طرح امری شایسته به نظر می‌رسد.

۱- صلابت و عزت‌مندی در سیره نبوی

از مهم‌ترین اصول در سیره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عزت خواهی و پرهیز از هر نوع سرخوردگی و ستم‌پذیری است. این عزت خواهی موجب شد تا آن حضرت در

برابر سخت‌ترین شرایط زندگی سیاسی مقاومت کند و جز در برابر خدا سر تسلیم فرود نیاورد.

آن حضرت که فکری جدید و مکتبی بی‌نظیر مطرح کرده بود، توانست بدون تکیه بر قدرت‌های بزرگ، روی پای خود بایستد. قرآن کریم در اشاره به این واقعیت، تعبیر «استوی علی سوقه» را به کار برده است که زیباترین و گویاترین تعبیر در این باره است:

﴿مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ امثالُهُمْ فِي الْاِنْجِيلِ كَزَرْعٍ اُخْرِجَ شَطْطُهُ فَاذْرَهُ فَاسْتغَلظْ فاستوى على سوقه يُعجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾؛ مثل آنان در تورات و انجیل، همانند کشته‌ای است که جوانه‌اش را برآورد و به تدریج آن را نیرومند و ستبر گرداند و بر ساقه‌اش بایستد، [به حدی که] کشاورزان را شگفت زده سازد و کافران را به خشم آورد.^۱

از آن رو که استقلال، وجوهی مختلف مانند استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد و این وجوه، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، پیامبر اعظم ﷺ کوشید تا با الهام از آیه ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾^۲ استقلال را

۱. فتح(۴۸): ۲۹.

۲. نساء(۴): ۱۴۱.

با همهٔ وجوهش به ارمغان آورد و آن را به جامعهٔ اسلامی هدیه کند.

الف: خوداتکایی و استقلال سیاسی

آنگاه که پیامبر اسلام ﷺ با الهام از آیهٔ شریفه ﴿لَا شَرِیْقَةَ وِ لَا غَرِیْبَةَ﴾^۱ علم خوداتکایی و استقلال سیاسی را برافراشت، برخی گمان بردند که در جهان کنونی، محال است جامعه‌ای بدون تکیه بر قدرت‌های بزرگی همچون «روم» و «ایران» بتواند روی پای خود بایستد و به حیات سیاسی خود، ادامه دهد، اما نظام نوپای اسلامی با رهبری پیامبر اکرم ﷺ، نه تنها بدون تکیه و باج دادن به آنان، شکل گرفت و روی پای خود بایستاد، بلکه توانست به عنوان حکومتی مستقل و قدرتی قابل قبول، در برابر آنان قد برافرازد و حتی با اعزام سفیران، صاحبان قدرت‌های بزرگ را به آیین خود دعوت کند و با گذشت اندک زمانی، بر آنان چیره شود.

ب: خوداتکایی و استقلال فرهنگی

پیامبر اکرم ﷺ که همواره در اندیشهٔ استقلال کامل خود بود، توانست بدون تکیه بر دیگر فرهنگ‌ها و الگوپذیری از بیگانگان، فرهنگ دینی خویش را ترویج دهد و آن را به سرانجامی خوش برساند. در راستای همین استقلال‌خواهی بود که آن حضرت با

الهام از آیاتی مانند: ﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾^۱، ﴿تَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۲ به استقلال فرهنگی دست یافت که البته این آرزوی پیامبر ﷺ، با تغییر قبله به کمال خود رسید.

ج: خوداتکایی و استقلال اقتصادی

سیره پیامبر اکرم ﷺ، از آن حکایت دارد که آن حضرت، به اندازه استقلال فرهنگی و سیاسی در اندیشه استقلال اقتصادی نیز بود. از این رو، همواره به پیروان خود دستور می داد تا به هدف حفظ استقلال خود، هرکسی با تکیه بر توانمندی هایش، نیازهای خود را برآورد، چنانکه فرمود: **مَنْ أَكَلُ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتَحَتْ لَهُ الْأَبْوَابُ مِنَ الْجَنَّةِ**؛^۳ هر کس که از دست رنج حلال خود، معاش خویش را تأمین کند، درهایی از بهشت بر روی او گشوده می شود.

این حدیث، هرچند، دستوری فردی است ولی بی گمان، اجرایی شدن آن، به استقلال اقتصاد فرد و جامعه می انجامد.

۱. «به جای حق و حقیقتی که بر تو نازل شده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن» مائده (۵): ۴۸.

۲. «از آنچه از سوی پروردگارت وحی می شود پیروی کن ... و از مشرکان روی برگردان». انعام (۶): ۱۰۶.

۳. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ص ۲۴.

آن حضرت در جایی دیگر در بیان اهمیت عمران و آبادانی که به استقلال اقتصادی می‌انجامد، آبیاری درختی تشنه را با نجات انسانی مؤمن از خطر تشنگی برابر دانسته، می‌فرماید: **مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا؛** هر که درخت موز و یا درخت سدر را سیراب کند، گویا شخصی مؤمن را از تشنگی سیراب ساخته است.^۱

امام علی علیه السلام در ضرورت استقلال اقتصادی می‌فرماید: **تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛**^۲ تجارت کنید، چرا که در تجارت، بی‌نیازی از آنچه که در دست مردم است می‌باشد.

آن حضرت، در جایی دیگر در بیان زشتی وابستگی اقتصادی فرمود: **مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ إِفْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛**^۳ هر کس داری آب و خاک باشد و با این وجود فقیر و نیازمند باشد، خدا او را از رحمت خود دور می‌کند.

۲- بازخوانی سخنان امام راحل (ره)

هرچند اقتصاد مقاومتی تعبیری جدید است و چیزی با این عنوان در سخنان امام راحل (ره) به چشم نمی‌خورد، ولی تعبیری به این مضمون در سخنان ایشان به چشم می‌خورد؛

۱. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۲۵.

۲. شیخ صدوق، *الخصال*، ص ۶۲۱؛ کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۱۴۹.

۳. جمیری، عبدالله، *قرب الأسناد*، ص ۱۱۵.

چراکه اقتصاد مقاومتی و تعبیری از این دست، لازمه هر نهضت به ویژه انقلاب اسلامی است که خود امام، آن را بنیاد نهاد. از این رو، بایسته است تا بر پایه اندیشه و کلام آسمانی آن پیر حکیم، این موضوع را بازخوانیم:

الف: خواری در وابستگی اقتصادی

شما می‌دانید که اگر یک مملکت در اقتصاد، احتیاج به خارج پیدا بکند، احتیاج مبرمی که نتواند خودش را اداره کند و باید دیگران او را اداره کنند؛ این وابستگی اقتصادی، موجب می‌شود که ملت و مملکت ایران، به دیگران تسلیم بشود.^۱

ب: خودیابی در محاصره اقتصادی

این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه می‌دانم برای کشور خودمان؛ برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش این است که مایحتاج ما را به ما نمی‌دهند. وقتی مایحتاج را به ما ندادند خودمان می‌رویم دنبالش.^۲

ج: جلوگیری از کالای بیگانگان

بر دولت‌ها و دست اندرکاران است -چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده- که از متخصصین خود قدردانی، و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار کنند و از

۱. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ج ۱۱، ص ۴۱۳.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری کرده، به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.^۱

۳- بازخوانی سخنان مقام معظم رهبری

هرچند تاکنون مقام معظم رهبری درباره سیاست اقتصاد مقاومتی، از این تعبیر استفاده نکرده است، اما با مرور بر سخنان معظم له خواهیم یافت که با تعبیری مشابه، به این الگوی اقتصادی اشاره داشته است. از جمله این تعبیر، همان بود که در پیام نوروزی، سال ۱۳۸۷ را با عنوان «نوآوری و شکوفایی» نام نهاد که در راستای شکوفایی اقتصادی بود.

یکی دیگر از تعبیر معظم له، تعبیر "اصلاح الگوی مصرف" بود که سال ۱۳۸۸ را به آن نام‌گذاری کرد. ایشان به دنبال این نام‌گذاری، در نخستین سخنرانی خود که در حرم امام رضا^{علیه السلام} ایراد کردند، در بیان اصلاح الگوی مصرف، فرمود:

مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست. صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، به‌جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.

شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» در سال ۱۳۸۹ و «جهاد اقتصادی» در سال ۱۳۹۰ نیز در همین راستا و بیشتر در ارتباط با تشویق به کار و فعالیت است که می‌توان بر اقتصاد مقاومتی تطبیق داد.

سال ۱۳۹۱ را که با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» نام‌گذاری کرد، پنجمین سال متوالی است که نام‌گذاری آن با موضوعات اقتصادی صورت پذیرفت. نام‌گذاری سال ۹۲ به «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نیز تأکیدی بر این موضوع است. بدیهی است که این نام‌گذاری‌ها را نمی‌توان بدون دلیل دانست، بلکه با نگاهی به این عناوین، روشن خواهد شد که هرکدام ناظر بر جنبه‌ای از جنبه‌هایی سیاست اقتصادی مقاومتی است.

در جمع‌بندی پیشینه طرح اقتصاد مقاومتی، این نتیجه را می‌توان گرفت که هر چند این طرح، طرحی جدید بوده و اخیراً توسط مقام معظم رهبری مطرح گردیده است، اما با مطالعه آموزه‌های اقتصادی اسلام، روشن خواهد شد که این طرح در متن شریعت اسلام، وجود دارد.

شایان ذکر است در جلد بعدی این کتاب، از مباحثی هم‌چون: راهبردهای اقتصاد مقاومتی گفت‌وگو خواهیم کرد.

احکام: آنچه اشخاص از بانک‌ها می‌گیرند به عنوان معامله قرض یا غیر قرض، در صورتی که معامله به وجه شرعی انجام بگیرد حلال است و مانع ندارد، اگر

چه بداند که در بانک‌ها پول‌های حرامی است و احتمال بدهد پولی را که گرفته است از حرام است.

(مسئله ۲۸۵۳ توضیح المسائل مراجع)

ضمیمه ۲

آخر ذی‌الحجه و استقبال از ماه غم

ماه مُحَرَّم نخستین ماه قمری و یکی از ماه‌های حرام است که پیش از اسلام در دوران جاهلیت و نیز در اسلام جنگ و خونریزی در آن ناروا و حرام بود. قرآن کریم هر نوع جنگی حتی جنگ با بت‌پرستان را در این ماه، حرام می‌داند و آن را به سپری شدن ماه‌های حرام موکول کرده، می‌فرماید: ﴿فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ﴾^۱ آنگاه که ماه‌های حرام به پایان رسد با مشرکان جنگ کنید. با اینکه هر نوع جنگ و خونریزی در این ماه حرام بود، اما خاندان اموی که خود را مسلمان می‌دانستند، به سرکردگی یزید بن معاویه، در این ماه دست به جنایتی بزرگ زدند و بهترین انسان‌ها و مسلمانان همچون حسین بن علی علیه السلام و دیگر یاران آن حضرت را در این ماه به شهادت رساندند و خاک سرزمین کربلا را به خون مطهر آنان رنگین ساختند.

^۱. توبه (۹): ۵.

این حادثه بزرگ و خون‌بار موجب شد دنیای اسلام به ویژه شیعیان در این ماه، سیاه بپوشند و بیرق عزا برافرازند و در این حادثه تلخ به سوک بنشینند. بیایم ما نیز با سیاه پوش کردن محفل خود، به استقبال این ماه برویم و از خدا بخواهیم توفیق شرکت در عزاداری سالار شهیدان، همراه با شور و شعور به همه ما عنایت بفرماید.

در پایان، این روضه را از امام رضا علیه السلام بشنویم که در سوگ حادثه غم‌بار ماه محرم خوانده و می‌فرماید:

إِنَّ الْمُحْرَمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحْرَمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ،
فَاسْتَحَلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا، وَهَتَكَتْ فِيهِ حُرْمَتُنَا، وَسَبَى فِيهِ ذَرَارِينَا
وَ نِسَاءُنَا وَ أَضْرَمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا وَ انْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ
ثِقَلِنَا، وَ لَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ -
حُرْمَةً فِي أَمْرِنَا. إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا،
وَ أَدَلَّ عَزِيزَنَا، بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بِلَاءٍ، أَوْرَثَتْنَا الْكَرْبَ وَ الْبِلَاءَ إِلَى
يَوْمِ الْانْقِضَاءِ؛^۱ محرم ماهی است که اهل جاهلیت، جنگ را
در آن حرام می‌دانستند، اما خون‌های ما در آن، حلال
دانسته شد و در آن حرمت ما هتک گردید، فرزندان و زنان
ما اسیر شدند، به خیمه‌های ما آتش افکندند، اثاث ما را به
یغما بردند و حرمت خاندان ما را به دلیل نسبت ما به

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۹۱.

پیامبر ﷺ رعایت نکردند؛ روز امام حسین علیه السلام، پلک‌های ما را
مجروح ساخت و اشک ما را سرازیر کرد، عزیز ما را در
زمین کرب و بلا کوچک جلوه داد و برای ما تا روز قیامت
غم و بلا به ارث گذاشت.

در تو بس داغ، مکرر دیده‌ام

پیکر صد چاک اکبر دیده‌ام

در تو بینم خیمه‌های سوخته

کام خشک و دامن افروخته

در تو بینم صورت و خاک تنور

در تو بینم سینه و سُمّ ستور

در تو بینم جسم هفتاد و دو تن

غرق خون افتاده بی غسل و کفن

در تو بینم گریه دُر دانه‌ها

کعب نی بر روی کتف و شانه‌ها

در تو پیدا آتش تاب و تب است

صورت یک مرکب بی صاحب است

در تو بینم چهره‌ها از خون خضاب

بر لب طفلی تشنه، نقش بسته آب

باز شو ای ماه اشک و ماه آه

ترسم آید شمر دون در قتلگاه

مسابقه شماره یک مربوط به پیام مسجد ۸

به استحضار امامان محترم جماعت می‌رسانیم، از این پس بنا داریم در آخر هر شماره از پیام مسجد، هشت پرسش طرح کنیم و از میان کسانی که بیشترین امتیاز را کسب کنند، به قید قرعه، به هشت نفر جوایز نفیس فرهنگی اهدا کنیم، مشروط بر اینکه حدّ اکثر تا آخر هر ماه قمری، پاسخ‌ها به مراکز امور مساجد شهرستان‌ها ارسال شود.

۱. در کجای قرآن، ده شب نخست ماه ذی‌الحجه به بزرگی یاد شده و دلیل بر این ادعا چیست؟

الف: سوره ضحی - تفسیر قرطبی.

ب: سوره غاشیه - تفسیر قرطبی.

ج: سوره الفجر - تفسیر قمی.

د: سوره ضحی - تفسیر قمی.

۲. کدام تاریخ در ازدواج امام علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام صحیح است؟

الف: روز اول ماه ذی‌الحجه.

ب: روز ششم ماه ذی‌الحجه.

ج: عقد و عروسی در روز ششم.

د: عقد در روز اول و عروسی در روز ششم.

۳. حدیث پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله که فرمود: **مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنْ**

المسلمین عادیة ماءٍ او نارٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، در چه مناسبتی

تناسب دارد خوانده شود؟

الف: در روز جهانی سالمندان. ب: روز ملی
آتش‌نشانی.

ج: روز خانواده. د: هیچ کدام.

۴. از موارد خیانت به خود محسوب می‌شود:

الف: رازگویی ب: طمع و آزمندی

ج: گناه د: همه موارد

۵. امام باقر علیه السلام چند سال امامت کرد؟

الف: ۲۰ سال ب: ۱۹ سال تمام

ج: ۱۸ سال تمام د: ۱۹ سال و چند ماه

۶. حکم قربانی در غیر منا و قرض برای خرید آن چیست؟

الف: مستحب - خوب است قرض شود.

ب: مستحب - مکروه. ج: واجب - واجب.

د: واجب - مکروه.

۷. از نکات زیارت جامعه کبیره نیست.

الف: اثبات عدد ۱۲ در امامت.

ب: حجت بودن امام در دنیا و آخرت.

ج: عدم تفکیک دین از سیاست.

د: اهل بیت علیهم السلام، راه معرفت به خدا.

۸. از موارد سفارش اسلام به ورزش است.

الف: اسب سواری، شنا و دویدن.

ب: شنا، پیاده روی و شتر سواری.

ج: اسب سواری، شنا و پیاده روی.

د: کشتی، شنا و شتر سواری.

پاسخ نامه

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

کد ملی:

نام شهرستان:

نام مسجد:

تلفن همراه:

د	ج	ب	الف	
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸